

فرهنگ قرآن، کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم

سید محسن سادات فخر

و أَنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ انيقٌ، و باطنُهُ عمیقٌ، لا تفنی عجائبه، و لاتنقضی غرائبہ، و لاتکشف الظلمات إلا به xxx ۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۸. xxx .

قرآن، ظاهری زیبا و باطنی ژرف دارد. شگفتی‌های آن جاوید است و غرایب آن پایانی ندارد و تاریکی‌ها جز با آن زدوده نشوند .

امام علی بن ابی طالب علیه السلام

معارف بلند و عمیق قرآنی، آن چنان گستردگی و ژرفایی دارد که طبقه‌بندی شایسته آن، فقط در صورت اعمال دقت و به کار بستن ظرافت ممکن است. آثار سامان یافته قرآنی با هدف اطلاع‌رسانی از الفاظ قرآن، با همه تنوع و گستردگی، تا کنون نتوانسته‌اند پاسخی عام و جامع به نیاز مسلمانان و قرآن پژوهان بدهند .
بر آوردن این نیاز جز از رهگذر همدلی و همیاری گروهی کاردان و قرآن‌شناس که فرصت و فراغت لازم را داشته باشند ممکن نیست .

نخست باید «شیوه و راه» درست را یافت، آن‌گاه بدان راه و روش به فتح عرصه‌های گوناگون پرداخت .
اطلاعات و کتاب‌های موجود در مراکز علمی گواهند که تلاش‌های تحسین برانگیزی در جنبه‌های مختلف علمی، اجتماعی، کلامی، اقتصادی، فلسفی، فقهی، عبادی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی، تربیتی، حقوقی، ادبی، ذوقی و... صورت تدوین یافته است، اما همان‌ها گواهی می‌دهند که فرهنگی جامع و فراگیر که همه این اطلاعات را به شیوه علمی گزارش کند صورت تحقق نیافته است. مجموعه حاضر، گامی است بدین سو .
در این پروژه بزرگ کوشیده‌ایم آموزه‌های زلال قرآن را از متن آیات برآوریم و پیش دیدگان علاقه‌مندان به قرآن کریم نهیم .

سنگ نخست این بنای رفیع را، همّت دولتمردی فرهیخته و دانشمندی آشنا با زمان و مقتضیات آن نهاد. آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی - دام عزه - در پس این اندیشه و باور، که الفاظ و کلمات قرآن تنها علائم معارف قرآن نبوده و بسا معرفت‌ها و حکمت‌هایی که در قرآن به لفظ بازگو نشده است، طرحی نو درافکند. در این طرح کاخی سر برآورد که بسی بلندتر از معجم‌های لفظی قرآن است؛ زیرا با بازگفتن و ثبت معارفی که در قرآن، لفظی برای آن آمده است بسنده نشده و ناگفته‌های دیگری را نیز به تحقیق می‌گیرد. ایشان از اینکه مأخذ معتبر و فرهنگ آسان‌یابی که به بهترین شیوه اطلاع‌رسانی کند، وجود ندارد اظهار تأسف کرده می‌نویسد :

« گاه اتفاق می‌افتاد که برای پی‌بردن به نظر قرآن درباره یک موضوع ناگزیر از مطالعه تمامی آن می‌شدم... متأسف بودم که چرا امت اسلامی طی قرن‌ها آن‌گونه که باید برای این کتاب.. سرمایه‌گذاری بایسته‌ای نکرده و در طول روزگار طولانی،

فرهنگنامه‌ای قرآنی تدوین نشده است تا جویندگان معرفت و حکمت... به آسانی از آن بهره گیرند.» xxx ۲ مقدمه تفسیر راهنما، ص ۹××× .

در این طرح نو شیوه و راهکارهایی به کار گرفته شد که اولاً متناسب با رویه اطلاع‌رسانی باشد و ثانیاً سرعت و آسانی دستیابی به اطلاعات در آن لحاظ شده باشد .

طبقه‌بندی اطلاعات

مبنای سامان دهندگان این مجموعه در ترتیب اطلاعات، موضوع و حروف اول آنها بوده است یعنی اطلاعات براساس الفبایی - موضوعی، طبقه‌بندی گردیده است و در هر موضوع مجموعه اطلاعات مربوط به آن موضوع گردآوری شده است، آن‌گاه هر یک از آنها براساس حروف الفبا رده‌بندی و شماره‌گذاری شده است. این گونه طبقه‌بندی اطلاعات علاوه بر آنکه مسیر اطلاع‌رسانی را هموارتر می‌کند، به واقع نوعی تفسیر موضوعی هر چند به اجمال نیز به شمار می‌آید، زیرا مراجعه کننده به هر یک از این موضوعات، با مجموعه‌ای از اطلاعات همگون و مناسب با آن موضوع مواجه شده و می‌تواند براساس آنها تحقیق خود را سامان دهد .

شناسایی الفاظ و مدخل‌هایی که در معنی به یکدیگر نزدیک‌اند، از دیگر فواید مهم این معجم می‌باشد. در ارجاع و برگرداندن مدخل‌هایی که فقط در معنی با یکدیگر تناسب و تشابه دارند، برای اهل تحقیق بسیار سودمند و مغتنم است؛ زیرا تفاوت‌های لفظی، گاه قلم و ذهن محقق را از مراجعه به آیات مناسب با موضوعات تحقیق دور می‌کند و این گره تنها در یک معجم معنایی قابل گشودن بود .

بدین‌رو در طبقه‌بندی، به سیستم ارجاعات توجه شده است. در این سیستم، موضوعات هم‌معنی و مترادف به موضوع برگزیده ارجاع شده است؛ مثل ارجاع موضوع آموزش به مغفرت و آسایش به رفاه غیر از آن ارجاع‌هایی نیز در عنوان‌های فرعی صورت گرفته است؛ مثل ارجاع تقوای ابراهیم‌علیه السلام به فضایل ابراهیم‌علیه السلام .

مبانی و اصول

اهل اطلاع و فن می‌دانند که تدوین قاموسی با ویژگی‌هایی که پیش‌تر گفتیم چه اندازه دشوار و در عین حال ظریف است. پدید آورندگان این پروژه عظیم برآنند که معجم حاضر :
اولاً؛ با رعایت همه اصول و مبنای شناخته شده تدوین گردد .
ثانیاً؛ اطلاعات به زبان و فرهنگ روز بازگویی شود .

ثالثاً؛ همه آنچه را که امکان استفاده آن از قرآن وجود دارد کشف و آشکار شود .

انگیزه و دغدغه‌های پیش گفته، نویسندگان مجموعه حاضر را به مراعات مقررات و مبانی پژوهش به گونه‌ای هر چه دقیق‌تر و کامل‌تر دعوت می‌کرد، از این‌رو پیش از هر اقدامی نخست رویه و مبانی نظری تحقیق را به تفصیل بررسی کرده و بر کاغذ آوردند .

از ابتدای کار این دغدغه ذهن و همت تدوین کنندگان را به خود مشغول کرده بود که چگونه اثری می‌تواند در برگیرنده بیشترین بخش‌ها از معارف قرآن باشد و چگونه می‌توان استنباطی معتبر و استظهاراتی منطبق با اصول تفسیر فراهم آورد و در همان حال سخنی نو و تازه ارائه داد؟ این همه در حالی است که سخت از در افتادن در ورطه تفسیر به رأی بیم داشتیم. کوشش همگان بر آن بوده است که از محضر قرآن آنچه شائبه خطا و کژروی در آن نیست، استفاده و ارائه شود و این را در تأسی به شیوه سلف و تعهد نسبت به اصول و مبانی تفسیر دیدیم.

مراحل تحقیق و تدوین

پدید آورندگان این معجم پس از بررسی‌های بسیار برای رسیدن به اهداف تعیین شده مراحل زیر را به انجام رساندند.

1. گزینش موضوعات اصلی
2. تشکیل پرونده‌های علمی
3. پژوهش و تحقیق
4. ارزیابی محتوایی
5. مقابله و تصحیح
6. هماهنگ‌سازی نمایه‌ها و موضوعات فرعی
7. کنترل نهایی
8. ویراستاری.

ویژگی‌های پروژه

1. در برداشتن بیش از ۳۰۰۰ موضوع اصلی و هزاران موضوع فرعی
2. دستیابی آسان علاقه‌مندان و محققان به معارف و علوم قرآنی
3. برخورداری از سیستم ارجاعات در عنوان‌های مترادف و مرتبط
4. جامعیت نسبت به فرهنگنامه‌های قرآنی پیشین
5. الفبایی - موضوعی بودن عناوین اصلی و فرعی
6. در برداشتن اعلام قرآن.

اهداف پروژه

1. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات موجود در قرآن براساس مفاهیم با سه مشخصه دقت، سرعت و آسانی
2. استخراج عناوین علوم اسلامی در زمینه‌های اخلاق، اقتصاد، روان‌شناسی و... از قرآن
3. فراهم آوردن بستر مناسب برای تحقیقات نوین و تخصصی در علوم و معارف قرآنی
4. فراهم آوردن زمینه تدوین دائرةالمعارف بزرگ قرآن

5. فراهم آوردن زمینه تفسیر موضوعی قرآن .

سخن آخر

برای دست اندرکاران این مجموعه مایه بسی مباحات و سرافرازی است که مجلد نخست آن با استقبال فرهیختگان و قرآن پژوهان مواجه شد و چاپ اول آن در مدتی اندک نایاب گردید و با توجه به نقدهای محققان بزرگوار و رهنمودهای آنان چاپ دوم با اصلاحات و اضافات انجام گرفت و علاوه بر آن مجلدات دوم تا پنجم انتشار یافته و مجلدات بعدی نیز برخی در حال انتشار است و برخی در آینده نزدیک عرضه خواهد شد .

این مجموعه با همه کوشش‌های فراوان و دقت‌های بسیار با اینکه آرزوی دیرینه بنیان‌گذار طرح فرهنگ قرآن (آیت الله هاشمی رفسنجانی) را برآورده کرده است، اما همچنان در مظان خطا است، همان گونه که همه کارهای بشری چنین سرنوشتی دارند. چشم آن داریم که محققان گرامی و پژوهشگران ارجمند با بیان پیشنهادها و راهکارهایی که مناسب‌تر می‌دانند ما را یاری رسانند و چنانچه خطایی در آن دیدند ما را رهنمون گردند .

در پایان برای اطلاع بیشتر علاقه‌مندان، به ذکر نمونه‌ای از فهرست یک موضوع بسنده می‌کنیم .

آرامش

آثار آرامش

1. ازدیاد ایمان
2. اقرار به توحید
3. حفظ اسرار
4. رضایت از خدا
5. رضایت خدا
6. عنایت خدا
7. مصونیت از غضب

آرامش آدم علیه السلام

آرامش ابراهیم علیه السلام

آرامش از آیات خدا

آرامش اصحاب کهف

آرامش انفاق‌گران

آرامش اولیاء الله

آرامش بخشی به ابراهیم علیه السلام

آرامش بخشی به ابوبکر

آرامش بخشی به داود علیه السلام

آرامش بخشی به لوطعلیه السلام
آرامش بخشی به مادر موسی علیه السلام
آرامش بخشی به متّقین
آرامش بخشی به مجاهدان
آرامش بخشی به محمّدصلی الله علیه وآله
آرامش بخشی به مریم علیهما السلام
آرامش بخشی به موسی علیه السلام
آرامش بخشی به مؤمنان
آرامش بخشی به هارون علیه السلام
آرامش به دنیا
آرامش بهشتیان
آرامش خانواده
آرامش خانواده نوح علیه السلام ره‌مین مدخل
آرامش نوح علیه السلام
آرامش در آخرت
آرامش در سختی
آرامش در قیامت

عوامل آرامش در قیامت

1. احترام به نیازمندان
 2. استقامت
 3. اصلاح
 4. انفاق
 5. ایمان
 6. تسلیم
 7. تقوا
 8. عمل صالح ره‌مین مدخل،
عوامل آرامش در قیامت، ایمان
 9. نیکوکاری
- آرامش شفیعیان

آرامش شهیدان
آرامش عمّار یاسر
آرامش متّقین
آرامش مجاهدان
آرامش محسنان
آرامش محمّدصلی الله علیه وآله
آرامش مخلصان
آرامش مصلحان
آرامش موخّدان
آرامش موسی علیه السلام
آرامش مؤمنان
آرامش مهتدین
آرامش نوح علیه السلام
آرامش هارون علیه السلام
آرامش یونس علیه السلام
اهمّیت آرامش ر همین مدخل
نعمت آرامش
عوامل آرامش

- 1 . استقامت
- 2 . اقامه نماز
- 3 . انفاق
- 4 . ایمان
- 5 . باران
- 6 . پرداخت زکات
- 7 . تابوت بنی اسرائیل
- 8 . تسلیم
- 9 . تقوا
- 10 . توکّل
- 11 . خواب

دعا	12 .
دل‌داری	13 .
دوستی با خدا	14 .
ذکر خدا	15 .
زمین	16 .
شب	17 .
عمل صالح	18 .
قصه انبیا	19 .
مائده آسمانی	20 .
مسکن	21 .
مشاهده حقایق	22 .
ملائکه	23 .
نزول تدریجی قرآن	24 .
وعده الهی	25 .
وفا به عهد	26 .
هدایت‌پذیری	27 .
همسر	28 .
عوامل سلب آرامش	
1 . آدم‌ربایی	
2 . احساس خطر	
3 . افشای اخبار امنیتی	
4 . بلا	
5 . جدایی از فرزند	
6 . شایعه پراکنی	
7 . شرک	
8 . کفر	
9 . کفران نعمت	
منشأ آرامش	
نعمت آرامش	

شکر نعمت آرامش

تفسیر راهنما، طلعه‌دار تفسیر قرن پانزدهم

تفسیر راهنما که اکنون در ۲۰ مجلد به چاپ رسیده و در اختیار اهل نظر و قرآن پژوهان قرار گرفته است، به اذعان پژوهشیان و صاحبان رأی در ساحت مطالعات قرآنی، تفسیری است متفاوت با سایر تفاسیری که طی قرون گذشته به تبیین مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند.

این تفاوت را در چند زمینه می‌توان شاهد بود که برخی جنبه محتوایی و بنیادی دارد و بخشی به جهات صوری و شکلی آن مربوط می‌شود.

در کوتاه سخن می‌توان این تفسیر را نتیجه و دستاورد تحولات فکری و علمی جهان اسلام در قرن چهاردهم دانست و سبک و شیوه و نگاه آن را طلعه‌دار حرکت تفسیری نوین قرن پانزدهم به شمار آورد.

تحولاتی که ناگزیر در ارتباط و تعامل با شرایط و دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در عرضه جهانی بوده و هست.

بدیهی است که همیشه و در هر جا، دگرگونی‌ها و تحولات رو به کمال نیست و یا همسویی و تعامل با اقتضاهای پیرامونی مثبت ارزیابی نمی‌شود بلکه باید تغییرها را با ملاکهای علمی و ارزشی محاسبه کرد تا دریافت آنچه از بستر تغییرها و تحولات سر برآورده، مولودی سالم و طبیعی و منطقی است یا خیر.

در طول اعصار و قرون گذشته، مفسرانی تلاش کرده‌اند تا طرحی نوین در فهم کلام الهی دراندازند و گامی متناسب با نیازها و تحولات فکری و اجتماعی عصر خود بردارند که برخی از آنان موفق و گروهی ناموفق بوده‌اند.

بخشی از تفسیرهای کلامی، عرفانی و علمی - تجربی را می‌توان در زمره حرکت‌های ناموفق و غیرقانونمند به شمار آورد که به جای تکامل و پیشرفت فهم دینی و قرآنی، ره‌آورد آنها تحریف مفاهیم وحیانی و تفسیر به رأی و تحمیل آرای غیر قرآنی بر متن قرآن بوده است.

تطبیق قرآن بر فرضیه‌های علوم تجربی - به گونه افراطی - و تفسیر و تأویل آیات بر پایه‌های دیدگاه‌های سوسیالیستی - در قرن چهاردهم - و تلاش برای پیاده کردن مبانی کلام جدید مسیحی در تبیین و تفسیر قرآن را می‌توان تلاش‌هایی ناموفق در جهت همسو شدن با نیازها و پاسخگویی به مسائل عصری دانست.

رخداد این نگرش‌های افراطی و بی‌ضابطه و تحریف‌گر باعث گردید تا جمعی از دینداران و دانشوران ساحت علوم دینی به موضع تفریط روی آورند و زیر عنوان سلفی‌گری بر ظاهر آیات جمود ورزند و در فهم و تعدیل و ترجیح روایات راه تساهل و بی‌دقتی بپیمایند و یا تنها راه صحیح فهم قرآن را بسنده کردن به مجموعه احادیث معرفی کنند.

فارغ از این دو جریان افراطی و تفریطی، جریان متعادل نیز استمرار داشته است با این ویژگی که هر مفسر متناسب با اطلاعات، منابع و معلومات کلامی، فلسفی، فقهی، ادبی و عرفانی عصر خود به یک یا چند جنبه از موارد یاد شده پرداخته است.

در این میان تفاسیر قرن چهاردهم از نوعی کمال و تنوع برخوردار است که بخشی از این کمال را مرهون بهره‌گیری گسترده از منابع و تفاسیر پیشین، و بخشی را مدیون تحولات اجتماعی و علمی زمان بوده است. سرعت تغییر و تکامل و تنوع نگاه در اعصار پیشین، بسیار کند و بطیء بوده است در حالی که این حرکت تفسیری در قرن چهاردهم سرعت بیشتری یافته است و انتظار می‌رود که تفسیر در قرن پانزدهم به شکلی پرشتاب‌تر راه تحول و تکامل را پیماید. می‌توان تفسیر راهنما را - که به صورت خاصی از تفسیر المیزان و به شکل عامی از تفاسیر مهم گذشته بهره‌جسته است - درآمدی بر این حرکت نو و با این حال قانونمند دانست .

کمال و کاستی‌ها

آنچه تاکنون درباره تفسیر راهنما گفته آمد، شاید بر بعضی اندیشه‌ها گران آید چه اینکه در میان تفاسیر پیشین، تفسیرهای گرانسنگی وجود دارد که گاه فهم و دقت در آنها نه در حد پژوهشیان تازه کار که در شأن صاحب‌نظران علوم قرآنی است. در حالی که تفسیر راهنما با عباراتی ساده، کوتاه و به فارسی روان برای بسیاری از کسانی که می‌خواهند به تفسیر و فهم قرآن رو آورند قابل بهره‌برداری است .

این قلم به دلیل ممارست فعال در گروه‌های پژوهشی و تدوین تفسیر راهنما، چه بسا بیش از کسانی که با حاصل و نتیجه کار آشنا شده و به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند، به نقطه‌های کمال و کاستی این تفسیر واقف باشم - هر چند گاه انس و قربت با یک موضوع مانع توجه به برخی نقطه قوت‌ها و ضعف‌ها می‌شود - ولی در مجموع باید تصریح کرد که اگر گفته می‌شود تفسیر راهنما در مقایسه با تفاسیر پیشین، دستاوردهای جدیدی دارد و گام نو و حرکتی جدی و اساسی به شمار می‌آید؛ اولاً بدان خاطر است که از ذخائر علمی پیشین و منابع فهم تفسیری و روایی بهره برده است ثانیاً از امکانات و روشهای نو پیدای عصر خود در عرضه پیامها و نکته‌های قرآنی استفاده کرده است، ثالثاً - راه را برای استمرار مطالعات نوین قرآنی هموارتر نموده است. و این هم بدان معنی نیست که کمبودها و ضعفها و کاستی‌هایی در کار نباشد، که هست و باید تا حد ممکن مراکز پژوهشی - به ویژه مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات که بنای این تفسیر را استحکام بخشیده است - به تقویت آن همت گمارند .

بی‌شک تاکنون اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلفی از این تفسیر با عبارتهای بلند یاد کرده‌اند و ما در این نوشته در صدد توصیف و تمجید نیستیم، بلکه هدف اصلی معرفی این تفسیر به گونه‌ای است که بتواند برای پژوهشیان مورد استفاده قرار گیرد و راه را برای تقویت و تکمیل این حرکت تفسیری هموارتر نماید، از این رو، به طرح نکات ذیل می‌پردازیم .

پیشینه طرح تفسیر راهنما

در مقالات و کتابهای مختلفی در این باره اظهار نظر شده است - از جمله در مقدمه جلد نخست تفسیر راهنما که جویندگان اطلاعات بیشتر می‌توانند بدانجا مراجعه کنند - اما به اجمال می‌توان گفت :

جمعی از دانشیان حوزه علمیه قم در حدود سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به این نکته توجه می‌کنند که دسترسی به منابع مهم اسلامی مثل قرآن و نهج‌البلاغه در برخی کتب حدیثی سهولت لازم را ندارد و برای دستیابی سریع و جامع به این منابع باید حرکتی را آغاز کرد.

این جمع از چند ویژگی برخوردار بودند: علوم حوزه را در حدّ بالا فرا گرفته و با اصول و روشهای علمی معتبر آشنا بودند، فراتر از علوم حوزوی با مباحث جدید مطرح در محافل علمی که خواه ناخواه از قلمروهای غیر اسلامی به سرزمین‌های اسلامی از طریق ترجمه و یا تحصیل کردگان و الهام گرفته‌گان از فرهنگ غرب راه یافته بود مواجه بودند و می‌بایست موضع تفکر دینی و جامعه اسلامی را در قبال آن دیدگاه‌ها تبیین کنند.

فلسفه‌های غربی و اروپایی، مباحث کلامی جدید، دیدگاه‌های ماتریالیستی متکی بر استدلالهای فلسفی و اصلاحات اجتماعی و ایده‌های رفاه‌گستر یا عدالت‌خواه از یک سو و سیطره دانش تجربی کشورهای غیر اسلامی که به سلطه سیاسی - فرهنگی - اجتماعی آنان بر جوامع دینی انجامیده بود از سوی دیگر، می‌طلبید که پاسداران اقلیم قبله روشها و سبکها و نگاه‌ها و بیانها را در تبیین مواضع و آرمانهای دینی، هم تنوع بخشند و هم سهولت دهند و هم با نوع پرسشها و نیازها هماهنگ سازند، بلکه موضع دین را از دفاع به موضع مدیریت و خلاقیت و سازندگی ارتقا بخشند.

این گرایش‌ها در تاریخ ایران و برخی جوامع اسلامی به یک یا دو قرن گذشته نیز معطوف بود.

برخی معتقدند که حضور عالمان دینی در جریان اصلاحات اجتماعی مشروطیت گرچه ظاهری سیاسی - اجتماعی داشت اما روح آن را باید در نگاه نوین عالمان دین به چگونگی حضور دین در صحنه جوامع جست‌وجو کرد که پیش از آن از سوی سیدجمال الدین اسدآبادی پیگیری شده بود.

ارتباط این تحولات اجتماعی - سیاسی - فرهنگی با تغییر و تحول نگاه عالمان در تفسیر و تبیین مسائل دینی از آن رو بود که تحولات اجتماعی و سیاسی، ناگزیر تحولات فرهنگی را به دنبال داشت و در این تحولات فرهنگی نخستین رویارویی ایده‌ها و فرضیه‌ها در نظریه‌های جدید و ایده‌ها و آموزه‌های دینی شکل می‌گرفت.

رسالت عالمان دینی و کارشناسان مسائل اسلامی و مفسران قرآن و تبیین کنندگان سنت در مصاف میان فرهنگ مسلط وارداتی و فرهنگی دینی، این بود که دین را از موضع مقهوریت بیرون آورده و در جایگاه بایسته آنکه جایگاه پاسخگویی، هدایتگری و مدیریت و سازندگی فکری و اجتماعی است قرار دهند. و به تعبیر دقیق‌تر، ظرفیت‌های نهفته دین و احکام و عقاید دینی را شناسایی کرده و به نسل و عصر خود معرفی کنند.

اظهار نظرهای سیاسی - دینی عالمان مبرز در مشروطیت و تلاش آنان برای تبیین نظری دیدگاه اسلام در مقولات سیاسی اجتماعی، شکلی از ایفای این رسالت دینی بود.

تدوین کتابهایی در رد شبهات دینی و پاسخگویی استدلالی به آنها وجهه دیگری از این وظیفه داری بود.

روی‌آوری به تبیین و تشریح فلسفه اسلامی در مواجهه با فلسفه‌های مادی و ماتریالیستی و دیالکتیکی گونه دیگری از این هدفمندی بود.

رویگرد به تفسیر قرآن با بیان روز و استخراج مفاهیم اجتماعی و فلسفی و اخلاقی و اعتقادی که بتواند ناظر بر نیازها و پرسشهای نسل معاصر باشد چهره دیگری از این حرکت مصلحانه بود که اوج آن را در المیزان می‌توان شاهد بود . تبیین و تشریح فقه سیاسی اسلام و شفاف‌سازی دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه و عزت‌جویانه دین و تأکید بر ضرورت حفظ کیان مسلمانان و امت اسلامی صورتی دیگر از این معنی بود . استمرار این رسالت علمی و معنوی - و در عین حال مصلحانه و انسانی - نیاز به آبخواری فراخ داشت، آبخواری که نمی‌توانست خارج از سرچشمه‌های زلال قرآن و سنت باشد . این بود که ضرورت بازبینی و واکاوی معارف قرآنی و روایی به شدت احساس شد و شیوه‌های نوین بر اندیشه جویندگان جوانه زد که تهیه «معجم معنایی» با عنوان «فرهنگ قرآن» یکی از آنها بود .

از معجم‌های لفظی تا معجم معنایی

تهیه معجم‌های لفظی قرآن را می‌توان مرتبه نازلی از شکل‌گیری معجم معرفتی و معنایی دانست . تا پیش از تدوین «کشف الآیات» و «معجم المفهرس» تنها کسانی می‌توانستند از مجموعه آیات و معارف جامع قرآنی بهره گیرند که، یا حافظ کل آیات باشند و در ذهن خود احاطه بر الفاظ - و به تناسب فهم معنای - آیات داشته باشند و یا برای تحقیق در یک مقوله بارها و بارها قرآن را مرور کنند. در حالی که بسیاری از حافظان قرآن به دلیل صرف توان خود در فراگیری و حفظ آیات، فرصت و مجال و یا امکان تأمل در مناسبات میان آیات مرتبط و تحقیق موضوعی در آیات را نداشتند و کسانی که احاطه حفظی بر مجموعه آیات را کسب نکرده بودند برای تحقیق در یک موضوع می‌بایست صرف وقت فراوان کنند .

تهیه «کشف الآیات» و کارآمدتر از آن. «معجم المفهرس» آیات قرآن، هم بر حجم و سرعت جستارهای قرآنی افزود و هم بر دقت آن .

اما این حرکت تنها می‌توانست راهنمای لفظی آیات باشد، در حالی که مهم‌تر از الفاظ، معنی و معارف بود و اساساً الفاظ از آن جهت می‌توانست مورد توجه باشد که نوعی هدایت به معنی دارد و چون فهم معانی الفاظ قرآنی و دریافت پیامهای آیات خود میدانی دیگر بود می‌بایست، فهرستی از معانی و معارف قرآنی تهیه می‌شد. تا کار تحقیق و پژوهش در آن سریع‌تر و آسان‌تر صورت گیرد و از دقت و اتقان بیشتری برخوردار شود .

مراحل شکل‌گیری معجم معنایی (کلید مفاهیم قرآن)

از آنچه مبتکر و و طراح این روش، جناب حجة الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی در مقدمه جلد اول تفسیر راهنما نگاشته است استفاده می‌شود که طرح آغازین این حرکت بیش از آنکه جنبه تفسیری داشته باشد، کاری در جهت جداسازی و دسته‌بندی پیامهای محتوایی قرآن و تلاش به منظور آسان‌یابی مفاهیم بوده است .

در حقیقت نگاه نخستین به معجم معنایی، چندان پیچیده و تودرتو نبوده است، بلکه به نظر می‌رسیده که با مختصر دقت در مجموع مطالب یک آیه می‌توان موضوعات مربوطه را با عناوین تک واژه‌ای مشخص کرد و در نهایت از مجموعه واژه‌های به دست آمده (= نمایه‌ها) به فرایند تفسیر موضوعی ره یافت.

مثالی که طراح «کلید مفاهیم قرآن» برای این مرحله از کار ارائه کرده چنین است:

انسان

تاریخ سابقه تاریخی جامعه متحد و بی‌اختلاف بشریت

وحدت کان الناس امة واحدة

جامعه

اختلاف

با این روش اگر همه آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گرفت، چنانچه موضوع مورد مطالعه مربوط به «جامعه» بود، محقق می‌توانست مثلاً دو بیست آیه که به شکلی ناظر به «جامعه» بود و درباره آن نظری را ابراز داشته بود در «کلید مفاهیم قرآن» بیابد و با جمع‌بندی آنها به دیدگاه قرآن درباره جامعه دست یابد.

اما زمانی که کار، مراحل تکمیلی را پیمود و به ویژه زمانی که مجموعه یادداشت‌ها و فیشهای اولیه در اختیار مرکز فرهنگ قرآن دفتر تبلیغات اسلامی قم قرار گرفت، مشخص شد که آنچه انجام گرفته:

1- می‌تواند بخشی از کار و مرحله‌ای از آن باشد و بهره‌گیری از این نمایه‌ها در کنار تیتراهای کوتاه، تنها برای کسانی قابل بهره‌گیری است که با نوعی تخصص قرآنی بتوانند مستند هر واژه را در آیه شناسایی کنند.

2- برخی برداشت‌های ثبت شده را بر اساس معیارهای دقیق تفسیری نمی‌توان توضیح داد.

3- برداشت‌های زیاد دیگری از آیات می‌توان داشت که هم مفسران به آن اشاره داشته‌اند و هم با معیارهای تفسیری قابل توضیح و استناد است ولی مبدع طرح به آنها اشاره‌ای نداشته است.

4- سبک تدوین جمله‌ها - که مرجع نمایه‌ها خواهد بود - و بخش مهمی از بار معنایی را بر دوش می‌کشد باید از سبک و سیاق خاصی پیروی کند که فهم معنی از آن دقیق باشد و ساختار جمله از نظر ادب فارسی کامل به شمار آید.

دریافت این نکته‌ها و اقدام به بازنگری و تکمیل برداشت‌ها، فرصت درخور توجهی را به خود اختصاص داد، زیرا زمانی که محققان از سوی مرکز فرهنگ قرآن برای پژوهش و کار روی این پروژه دعوت به همکاری شدند، برای بیشتر محققان در آغاز امر، سبک و روش و هدف و معیارهای خاص این تفسیر چندان شفاف نبود و اساساً برخی نتوانستند در مسیر پژوهش گامی هماهنگ بردارند و آنان که پایداری ورزیدند طی نشستهای متعدد و مشاوره‌های طولانی در نهایت نتوانستند به سبکی منسجم و قانونمند دست یابند.

یکی از شگفتی‌های این پژوهش که از دشواری آن نیز به حساب می‌آید این بود که هر قدر بر میزان دقت افزوده می‌شد، باز هم دستیابی به نهایت و سخن آخر و حرف پایانی دشوار می‌نمود، و از آنجا که تأکید بر این امر می‌توانست مانع

پیشرفت کار شود به سطحی از این معیارها و ضوابط بسنده شد. تا چارچوب اصلی طرح شکل گیرد و کار تکمیل و تکامل در دوره‌های بعد؛ یا به وسیله همین محققان و یا ژرف اندیشان دیگر، صورت پذیرد .

کار مستمر گروه‌های پژوهشی و مطالعه تفاسیر متعدّد از سوی محققان، پیش از تشکیل جلسات مشورتی و جرح و تعدیل پیامهای استخراج شده از سوی هر محقق و اصلاح و تصویب آن، سبب شد تا «کلید فهم قرآن» که به عنوان «فرهنگ قرآن» انتشار می‌یابد، عملاً به تفاسیرهای جامع و ریزنگر و به صورت راهنمایی برای پژوهشهای موضوعی در قرآن، ظاهر شود .

مهم‌ترین دستاورد تفسیر راهنما

از نگاه اهل نظر، تفسیر راهنما دستاوردهای متعدّدی داشته است، از آن جمله :

- 1- ابداع سبک نوین در تدوین تفسیر
- 2- بهره‌گیری از منابع معتبر و متعدّد تفسیری در چارچوب اصول پذیرفته شده .
- 3- تلاش در داشتن جامعیت نگاه نسبت به مسائل ادبی، عرفانی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، طبیعی، فقهی و . . .
- 4- انجام کار با هم‌اندیشی و هم‌فکری گروه‌های پژوهشی
- 5- ریزنگری در آیات و واژگان قرآنی فراتر از آنچه از سوی مفسران دیگر صورت پذیرفته بود .
- 6- بهره‌گیری از معیارهای قرآنی در فهم قرآن .
- 7- توجه به روایات در تفسیر قرآن همراه با نگاه نقادانه نسبت به صحّت و همخوانی آنها با متن قرآن و فرهنگ دینی .
- 8- بهره‌گیری از نمایه‌ها به دو شکل - در پایان هر آیه و پایان هر جلد - به منظور تسهیل دستیابی به معارف مرتبط و پژوهش موضوعی در قرآن .
- 9- مستندسازی هر برداشت به متن قرآنی و ارائه دلایل برداشت
- 10- تفکیک میان برداشت‌های صریح و تردیدناپذیر و برداشت‌های احتمالی که انتساب آنها به قرآن چندان روشن و قطعی نیست .

11- فراهم آوردن زمینه پژوهشهای متعدّد قرآنی و هموار ساختن مسیر تدبّر و دقّت در معارف وحی .

12- امکان بهره‌وری از آن برای سطوح عالی و متوسط علمی

در این میان مهم‌ترین دستاورد تفسیر راهنما از نگاه این قلم به اصل ابداع شیوه مطالعه در قرآن مربوط می‌شود، زیرا این سبک و روش است که می‌تواند از سوی محققان تا آینده‌های دور مورد استفاده قرار گیرد و به دستاوردهای نوین نیز منتهی شود .

پیش فرضهای تفسیر راهنما

شیوه و روشی که تفسیر راهنما در فرایند تفسیر به کار گرفته است و از ابداعات و رهاوردهای آن به شمار می‌آید، در صورتی پسندیده و پذیرفته خواهد بود که پیش فرض‌های این روش تفسیر مورد پذیرش قرار گرفته باشد .

این پیش‌فرض‌ها عبارتند از :

یک. قرآن با همین قالب‌های عبارتی و ساختار و ترکیب کلام الهی است و حتّی نوع واژگان و تک‌تک حروف آن با عنایت خاص خداوند در کنار هم چیده شده است .

دو. نه تنها ظاهر پیامهای قرآنی دارای حجّیت است که دلالت‌های فحوایی، تضمینی و التزامی آن نیز مورد توجّه فرستنده وحی بوده است .

سه. قرآن در درجه نخست کتابی دینی است و درصد اصلاح اندیشه و بینش انسان نسبت به آفرینش و آفریدگار هستی و تربیت آدمیان به آداب الهی است، ولی از آنجا که انسان در متن طبیعت زندگی می‌کند و نمی‌توان او را از زندگی مادی و اجتماعی جدا ساخت، بلکه حکمت الهی اقتضا کرده است تا هدف آفرینش انسان با زندگی مادی و جسمانی او در هم آمیخته و تفکیک‌ناپذیر باشد، ناگزیر این کتاب آسمانی، واقعیت‌های زندگی زمینی را از نظر دور نداشته است و با همین ابزار و امکانات مادی او را رشد داده، آزمایش نموده و کیفی و پاداش را بدو یادآور شده است .

این است که این کتاب وحیانی همچنان که کتاب معنویت و عقیده شناخته می‌شود، کتاب انسان با جهان و طبیعت نیز هست، گاه با صراحت و زمانی با اشارت به هستی مادی نگریسته و درباره آنها داوری کرده است. داوری‌ها و اشاراتی که هر یک به یکی از مقولات علوم تجربی و انسانی ارتباط می‌یابد .

چهار. گرچه قرآن مانند کتابهای علوم تجربی و بشری، عهده‌دار بیان رموز و ویژگیهای علمی نظام طبیعت و وجود انسان نبوده و نیست، ولی از آنجا که نزول قرآن از جانب خدای «علیم» و «حکیم» بوده است و در صریح آیات قرآن آمده است که احکام دین و باید و نبایدهای وحیانی دارای ملاک‌های واقعی است و ریشه در هستهای هستی دارد و از سوی دیگر شناخت هستی و نظام‌های حاکم بر طبیعت، حیات و وجود انسان راهی به سوی شناخت آفریدگار آن دانسته شده است، ناگزیر همه پیامهای قرآنی چه در بعد عبادات و اخلاق و قوانین و چه در زمینه مسائل اجتماعی، انسانی و طبیعی ناظر به واقعیت‌های هستی بوده و کمترین تخطّی از واقعیت‌ها یا ناسازگاری با هستهای نظام وجود ندارد .

به تعبیر دیگر خدای هستی، خدای یگانه است و او است که هم آسمان را آفریده و هم زمین را، هم طبیعت را رقم زده و هم وجود انسان را، هم جسم را آفریده و هم روح را، و چون آفرینش او متکی به علم و قدرت و حکمت و عزّت است در کلّ آفرینش او تناقضی مشهود نیست و همو است که در کنار کتاب تکوین، کتاب تشریح را آفریده است بدون کمترین فطور و کاستی و ناهمخوانی .

این است که حتّی از گزاره‌های دینی، اخلاقی و تربیتی و تاریخی قرآن نیز می‌توان، شناخت اسرار و ارتباطات نهفته هستی و ویژگی‌ها و نیازهای واقعی انسان و ضوابط حاکم بر جوامع انسانی را توقع داشت، هر چند این شناخت در طول زمان و به تدریج و متناسب با ظرفیتهای علمی - فرهنگی و تجربی انسان قابل دستیابی باشد .

پنج . نظم آیات قرآن و تنظیم سوره‌های قرآنی هر چند با ترتیب نزول آیات تفاوت دارد، ولی نظم کنونی به راهنمایی و ارشاد خود پیامبر(ص) صورت گرفته است و در اعصار بعد مورد تأیید اهل بیت(ع) - به عنوان آگاهان واقعی به قرآن و پاسداران قلمرو دین - قرار گرفته است .

از این رو است که می‌توان از سیاق آیات و ارتباط مطالب یک سوره یا بخش‌هایی از یک سوره نیز برداشت‌های معرفتی داشت .

شش. گرچه حقیقت پیام الهی فراتر از هر قالب زبانی و گویش بشری است، اما از آنجا که حکمت الهی اقتضا کرده است تا آن حقیقت متعالی را در ظرف کلام و ادبیات بشری - که آن را هم خود به انسان تعلیم داده است - نازل نماید، بدیهی است که در این روند به کامل‌ترین شکل و دقیق‌ترین وجه، ظرفیت‌های این قالب بیانی را اشباع کرده است و همچنان که در یک لغت و گویش کامل بشری از مفاهیم مطابقی، التزامی، تضمینی استفاده می‌شود و الفاظ گاه در معنای حقیقی و زمانی در معانی مجازی به کار می‌روند و مطالب گاه به کنایه یا با تمثیل ارائه می‌شوند و گاه با یک عبارت چندین مقصود پیگیری و ایفاد می‌شود و... قرآن نیز از همه این ظرافتها و ظرفیتها بهره جسته است، و به همین دلیل می‌توان از دلالت‌های فحوایی و اولویتی و کنایی و... بهره جست و نتیجه گرفت و به ظواهر و دلالت‌های مطابقی بسنده نکرد .

و نیز به همین دلیل مجاز خواهیم بود تا از قوانین ادبیات گفتاری عام بشری و قوانین ادبی خاص لغت عرب و رموز بلاغی آن در تفسیر و تبیین مقاصد آیات استفاده کنیم .

هفت. حجم محدود آیات و سوره‌های قرآنی در صورتی می‌تواند پاسخگویی نیازهای روزافزون و گونه‌گون انسان در طول تاریخ شناخته شود که مجال تفکر و استنتاج داشته باشد .

به تعبیر دیگر اگر پهنای آیات قرآن از ژرفای لازم برخوردار نباشد، انسان به زودی احساس خواهد کرد که بر مجموعه معارف قرآنی احاطه یافته و دیگر انتظار پیام جدید و دستاورد نوین را نباید داشته باشد. و در این صورت است که پیام به تدریج، رو به کهنگی و تکرار می‌گذارد و اگر پرسشهای یک نسل را پاسخ دهد، در برابر پرسشهای جدید ساکت خواهد بود اما اگر قرآن دارای لایه‌های متعدد معرفتی باشد و پیامهای خود را به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف در حجم محدود آیات، نهفته باشد، در این صورت، پژوهش در آیات قرآن و جست‌وجو در فهم مرادات و مقاصد و اشارات آن از میدان گسترده‌ای برخوردار خواهد بود که هر جوینده‌ای به قدر استعداد، تلاش و ظرفیت‌های معرفتی و نیازهایی که احساس کرده است می‌تواند از آن بهره جوید؛ بی‌آنکه به تکرار و کهنگی گرفتار شود .

خدای قرآن، همان خدای طبیعت است !

چگونه اسرار آفرینش و رموز و قوانین طبیعت در متن ماده به گونه‌ای تعبیه شده است که انسان طی هزاران سال به کاوش پرداخته ولی هنوز تنها به بخشی از آنها راه یافته و هر روز گوشه‌ای دیگر از آن را کشف می‌کند و این کاوش علمی نه تنها از تازگی و کارآمدی دانش تجربی نکاسته که هر روز به آن اهمیت بیشتری داده و می‌دهد .

آیا ظرفیت کلام و معانی و ادبیات بیانی کمتر از ظرفیت عناصر محدود ماده است !

- این سخن را از آن رو آوردیم تا کسانی که به لایه لایه بودن معارف و وجود سطوح مختلف پیامهای قرآنی و بطون هفت‌گانه یا هفتادگانه قرآن با نگاه تردید و ابهام می‌نگرند لختی درنگ کنند و ذهن خود را به دقت و تواضع فرا خوانند .

اعتقاد به این اصل به پژوهشگر قرآنی اجاره می‌دهد تا با همت بیشتر و انتظار فزون‌تر به بازخوانی و بازنگری قرآن پردازد، زیرا یافته‌های گذشته انسان و پرسشهای جدید او به وی این توان را می‌دهد تا سری دیگر و بیانی دیگر از قرآن را شناسایی کند.

هشت. روایات وارد شده از پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام هر چند تفسیر حقیقی و جدی آیات قرآنی است، اما این بدان معنی نیست که جز معصومان علیهم السلام کسی قادر به فهم قرآن و برداشت از آن نباشد - اگر چنین بود خداوند از اهل ایمان نمی‌خواست تا در آیات قرآن تدبیر کنند. بلکه دستور می‌داد تنها در سنت و روایات تدبیر نمایند. اعتبار و اهمیت روایات و تفسیر ماثور نیز بدان معنی نیست که آنچه در روایات آمده بیان تمامی معنی و مراد یک آیه باشد، بلکه گاه در روایت، مصداقی از مصداقها و یا بخشی از یک معنی را متناسب با سؤال مخاطب یا فهم او بیان شده است.

در حقیقت، روایات تفسیری را باید به سطوح مختلفی تقسیم کرد، بخشی از روایات، حاصل معانی و مفاهیم عمده و مبنایی است که اصلی از اصول تفسیری را آموزش می‌دهد و قاعده‌ای از قواعد معرفتی و معیاری از معیارهای اساسی فهم قرآن را تبیین کرده است. در حالی که دسته‌ای دیگر از روایات درصدد بیان مصداقها و یا بارزترین مصداق یک آیه هستند و یا وجهی از وجوه معنی را متناسب با درک و استعداد مخاطب بیان کرده است و . . .

بنابراین جمود بر ظاهر روایات در تفسیر قرآن، کاری غیر علمی و نامعتبر است بلکه مهم‌ترین نقش روایات را باید در این دانست که شیوه استفاده از کلام الهی را به اهل ایمان آموزش داده و معیارها و ملاکهای تفسیر صحیح را به تدبیرکنندگان در قرآن ارائه کرده است.

از نظر این قلم - اینها مهم‌ترین پیش فرضها و اصول پذیرفته شده تفسیری، چون تفسیر راهنما است که در واژه‌ها، جمله‌ها، آیات، سیاق آیات، دلالت‌های التزامی و فحوایی و مناسبات آیات به جست‌وجوی پیام و معنی پرداخته‌اند و یا می‌پردازند.

چه بسا برخی از این اصول بدیهی بنماید و احساس شود که یادکرد آنها چندان ضرورت ندارد، اما حقیقت این است که رواج کلام جدید حوزه‌های مسیحی در اندیشه برخی پژوهشگران و یا بهره‌وران از ترجمه آثار یاد شده، سبب گردیده است تا مسلم‌ترین اصول، از سوی آنان مورد تردید و تشکیک قرار گیرد و یا دستخوش قبض و بسط گردد.

اگر کسانی معتقد شوند که قرآن حاصل تجربه شخصی پیامبر صلی الله علیه وآله است و آنچه را در ذهن و فکر خیالش دریافت کرده با عباراتی بشری بیان داشته است، در این صورت برداشت از واژه‌ها و الفاظ می‌بایست در حد برداشت از کلمات بشری باشد و تصور بطون و لایه‌های معرفتی مجال نخواهد داشت!

راهی که در آینده باید پیمود

یک - تفسیر راهنما، همچنان که در مقالات و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و بنیان آن آمده است، آغاز راه است و نتیجه مهم‌تر را باید در مراحل بعد زیر عنوان فرهنگ قرآن یا تفسیر موضوعی جست‌وجو کرد - که چنین نیز هست - اما نباید

غفلت ورزید که بزرگ‌ترین خلأی که در مسیر تدوین تفسیر راهنما ذهن برخی محققان و پژوهشیان را به خود معطوف کرده بود خلأ مطالعات تخصصی بود.

توضیح اینکه اگر آیات در گروه‌های پنج نفری ابتدا مطالعه و سپس فیش‌برداری و پس از آن به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شد و به روشنی مشهود بود که هر محقق متناسب با مطالعات و علقه‌های علمی و فکری و فرهنگی و استعدادها و شخصی خود به برداشت از قرآن رو آورده است. درست مانند کسانی که وارد محیطی بزرگ و پر امکانات شوند و بخواهند از موجودی آن محیط، اشیا و لوازم مورد نیاز خود را بردارند و خارج شوند. اگر هنگام خروج ملاحظه شود، آشکارا دیده می‌شود که هر فرد به اندازه توان و تناسب با احساس نیاز و تحلیل خود، اشیائی را ارزشمند دانسته و به همراه برداشته است.

محققان نیز برخی دارای گرایش ادبی، بعضی دارای علقه‌های فلسفی و عرفانی، دسته‌ای متمایل به مباحث اخلاقی و تربیتی، و گروهی علاقمند به موضوعات اقتصادی اجتماعی و سیاسی و... بودند و به تناسب همین علاقه‌ها و اطلاعات پیشینی، به اصطیاد معانی از ژرفای معارف قرآنی می‌پرداختند.

این امر نشان می‌داد که: ۱- اگر محققان در رشته خود از تخصص و دقت بالاتری برخوردار باشند؛ ۲- اعضای یک گروه پژوهشی از تخصص‌های بیشتری در حوزه‌های علوم انسانی و حتی علوم تجربی و طبیعی بهره‌مند باشند، دستاورد و نتایج تفسیر به مراتب قوی‌تر و پر بارتر خواهد بود.

بنابراین هنوز مجال این گونه پژوهش باقی است و این راه می‌تواند همچنان ادامه یابد و گروه‌های تخصصی می‌باید با شیوه‌ها و معیارهای به کار گرفته شده در تفسیر راهنما به تعمق و تدبّر و جستار در قرآن بپردازند. هر چند پس از تدوین اولیه تفسیر راهنما و شکل‌گیری ۲۰ مجلد، افزوده‌های هر گروه پژوهشی از نظر کمیت انبوه نخواهد بود، ولی از جهت کیفیت قطعاً حائز اهمیت بوده و مورد استفاده رشته و گرایشهای گوناگون علمی قرار خواهد گرفت.

دو - یکی از مشکلاتی که حوزه مطالعات دینی ما طی قرون گذشته بدان مبتلا بوده و در دو سه دهه اخیر تلاشهایی برای رهایی از آن صورت گرفته، این است که مطالعات و پژوهشهای ما در قلمرو مسائل دینی، بیشتر جنبه نظری و ذهنی داشته و کمتر به کارآمدی و شیوه‌های کاربردی شدن آن در متن زندگی انسان‌های معاصر اندیشیده شده است.

بسیاری از فعالیت‌های علمی - دینی ما طی قرن‌ها، همانند مطالعات نظری ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان و شیمی‌دان‌هایی بوده است که با دقیق‌ترین محاسبات به حل مسائل و کشف روابط و درک عناصر و خواص مواد نایل آمده، ولی از آن محاسبات دقیق در ساخت صنعت و یا ساخت و تهیه داروها عملاً استفاده‌ای نشده باشد در حالی که شاهد هستیم که در حوزه علوم تجربی و حتی علوم پایه به مجرد رهیافت محققان به دستاوردهای جدید، به سرعت آن طرح نظری، به واقعیتی عینی و جدی و مؤثر در زندگی انسان تبدیل می‌شود و مورد بهره‌برداری و استفاده انسانها قرار می‌گیرد.

با این مقدمه در صدد تأکید بر این نیاز هستیم که مطالعات قرآنی نباید در خلأ انجام گیرد، بلکه باید مطالعات و پژوهشهای دینی عموماً و قرآنی خصوصاً جامعه‌نگر باشد، نیازهای زمان را در نظر گیرد و این تلاشها در نهایت به طرحی برای ساخت جامعه‌ای برتر، اخلاقی‌تر، عادلانه‌تر و عزیزتر منتهی گردد و این کاری است که - دست کم این نویسنده -

فرد یا گروه یا مرکزی را نمی‌شناسد که نسبت به آن اعلام فعالیت کرده باشد و حتی به یاد نمی‌آورد که در نوشته‌ها و گفته‌ها چندان مورد تأکید قرار گرفته باشد. هر چند به صورت آرمانی نهفته در قلب و ذهن همه مؤمنان و مصلحان وجود داشته و دارد، اما هرگز کافی نیست.

در پایان یادآور می‌شوم که آنچه در تجزیه و تحلیل تفسیر راهنما به رشته تحریر درآمد، فهم و دیدگاه این نویسنده نسبت به تفسیر راهنما - به عنوان فردی است که نقشی طولانی مدت در گروه‌های پژوهش‌های آن داشته است - و نباید آن را نظر و دیدگاه همه محققان فعال در این پروژه مطالعاتی دانست، چه بسا برخی از نیروهای مؤثر در شکل‌گیری این تفسیر، آرا و دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند و در آینده به طرح آن دست یازند.

ویژگی‌ها و امتیازات تفسیر راهنما

در هشتمین نشست از مجموعه نشست‌های قرآن‌پژوهی دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم «تفسیر راهنما» توسط دست‌اندرکاران این مجموعه معرفی شد و درباره روش‌های تحقیقاتی، گروه‌ها و واحدهای مختلفی که در تهیه تفسیر نقش داشته‌اند، توضیحاتی ارائه گردید. در این نشست حجج‌اسلام: معادیخواه (دبیر نشست)، محمدعلی ایازی (از قرآن‌پژوهان و مسئول سابق مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، ملاحسنی (مسئول بخش نمایه تفسیر راهنما)، ابوطالب طالبی (از محققان تفسیر راهنما)، علی محمد یزدی (از محققان تفسیر راهنما) و محمد مرادی (مسئول سابق بخش نمایه تفسیر راهنما) حضور داشتند. مشروح مذاکرات این نشست از قرار زیر است:

× × ×

معادیخواه: خدمت میهمانان عزیزی که در این نشست حضور دارند، خیر مقدم عرض می‌کنم و این ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن را به همگان تبریک عرض می‌کنم. تحقیقات نوین در شهر قم از سال‌ها پیش شروع شده و نهادی به قرآن‌پژوهی اختصاص پیدا کرده است. موضوع این نشست بررسی مجموعه‌ای به نام تفسیر راهنما است که یک نوع جدید از تفسیر قرآن کریم است و بعد از پیدایش جمهوری اسلامی ایران شروع شده و دارای تاریخچه‌ای است. شاید در بین دوستانی که در این نشست حضور دارند، بنده این توفیق را داشته‌ام که از لحظه شروع کاری که به کارهایی از جمله تفسیر راهنما انجامید، حضور داشتم. سال ۱۳۵۶ در زندان اوین، پس از حدود دو سال که بسیاری از دوستان از جمله «آیه‌الله هاشمی رفسنجانی» را ندیده بودم، در بند یک به هم رسیدیم و ایشان از کاری که در سال ۱۳۵۰ شروع شده و در آن کار، ایشان نیز حضور داشتند سراغ گرفتند. خلاصه مطلب این بود که زمانی تصمیم گرفته شد برای نهج‌البلاغه به اصطلاح آن روز یک «الکاشف معنوی» تهیه شود و خود این اقدام و فلسفه و انگیزه‌های آن تاریخچه‌ای دارد و بخشی از آن را من عهده‌دار شدم که به «فرهنگ آفتاب» انجامید که یک معجم معنوی برای نهج‌البلاغه است و ایشان از آن کار پرسیدند که به کجا رسیده است؟ چون کار پیش‌تر سبکی خاص داشت و من توضیحاتی دادم و گفتم که الان کار به این شکل و سبک است و ایشان این روش را پسندیدند و گفتند که خوب است برای قرآن نیز انجام شود و خود ایشان این کار را شروع کردند. در آن زمان کاری که انجام می‌شد، در واقع یک نوع نمایه‌سازی از مفاهیم قرآن کریم بود، که تاریخچه این کار یکی

از بخش‌های خواندنی و شنیدنی تاریخ انقلاب اسلامی است. بخش عمده وقت ایشان در زندان به قرآن اختصاص می‌یافت و خوشبختانه می‌شد منابعی مثل تفاسیر را به زندان آورد، و حدود ۳۰ دفتر در آن زمان آماده شد و آن دفترها الان هست و کسانی که این دفترها را دارند، تفاوتی بین دفتر اول تا دفتر چهارم با دفترهای بعدی می‌بینند. دفترهای ۱ تا ۴ هر دو صفحه نوشته دارد، ولی دفتر پنجم به بعد فقط یک صفحه نوشته دارد که این نتیجه عدم توفیق و در واقع قطع همکاری بنده با ایشان به علت آزادی از زندان بود.

این شروع قضیه بود و در واقع هدف این بود که معجم معنوی برای قرآن کریم فراهم بشود، به طوری که اگر کسی بخواهد درباره موضوعی آیاتی از قرآن بیابد، با استفاده از طبقه‌بندی و موضوع‌بندی این مجموعه به خواسته خود برسد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسس و بانی اصل کار، درگیر کارهای دیگری شدند. مدت‌ها ضمن اشتغال‌هایی که درباره انقلاب و مسائل جمهوری اسلامی بود، این دغدغه بود که سرنوشت کار به کجا می‌انجامد؟ نهادهای بسیاری داوطلب شدند این کار را انجام دهند. از صدا و سیما گرفته تا حزب جمهوری اسلامی که در نهایت قرعه فال به نام دفتر تبلیغات اسلامی قم افتاد که دفترهای نیمه تمام را گرفتند و قرار شد کار را با تلاش فضلالی قم به سامان برسانند.

مسئولیت اولین گروهی که کار را شروع کردند، با حجة الاسلام ایازی بود. از اینجا فعالیت با هدف تمام کردن کار نیمه تمامی شروع شد که باید منتهی به «معجم معنوی» قرآن کریم می‌شد؛ اما داستان به گونه‌ای دیگر پیش رفت؛ یعنی از دل این کار کارهای دیگری هم درآمد که بحث امشب فقط به تفسیر راهنما اختصاص یافته است که در واقع این تفسیر با آن کاری که گفتم، به شکلی ارتباط پیدا می‌کند. آنچه که بسیار مهم است، نقش چشمگیر و اساسی این کار در نهادینه شدن قرآن پژوهی در حوزه علمیه قم بود که افتخار بزرگی است، ولی در هر صورت تفسیر راهنمایی که امشب درباره آن بحث می‌کنیم، یک بخش از مجموعه کارهایی است که به آن معجم‌نویسی ارتباط پیدا می‌کند. از جناب آقای ایازی خواهش می‌کنم درباره ادامه کار و به خصوص آن مسائلی که به تفسیر راهنما مربوط می‌شود، توضیحاتی ارائه کنند.

ایازی: چون فرصت بسیار کم است. کمتر به تاریخچه تفسیر راهنما می‌پردازم، بلکه به جایگاه، اهداف و ویژگی‌های این تفسیر می‌پردازم و امید است که بقیه دوستان توضیح مرا کامل کنند. دفترهای تفسیر راهنما در سال ۱۳۶۶ به من واگذار شد. وقتی بررسی کردم، به آقای رفسنجانی پیشنهاد دادم که این کار به صورت گروهی و با استفاده از منابع گسترده تفسیری و روایی و لغوی ادامه پیدا کند؛ به همین دلیل، در سال ۱۳۶۶ گروه‌های تفسیر در قالب گروه‌های چهار و پنج نفری تقسیم شدند و هر دفتری و هر قسمتی از تفسیر را یک گروه بر عهده گرفت و بر روی آن کار می‌کرد و بسط و یا قبض می‌داد و سپس به دست گروه دوم می‌افتاد و گروه دوم آنها را بررسی می‌کرد و گروه دیگری آن را ویرایش و برای مراحل بعدی آماده می‌کرد.

محصول این تلاش‌ها ۲۰ جلد است. وقتی که ما برای تفسیر راهنما برنامه‌ریزی کردیم، عقیده داشتیم که تفسیر راهنما تنها یک تفسیر نیست، بلکه مجموعه کاری است که می‌تواند در مجموعه پژوهش‌های قرآنی قرار گیرد و کار نخستین آن این است که آنچه از پیامدها و مدلول‌های قرآن است، استخراج و طبقه‌بندی شود. از کارهای دیگر آن این است که یک کشف قرآن و فرهنگ موضوعی قرآن در کنار این کار نهفته شود و کار سوم که می‌تواند انجام شود، این است که یک بانک

اطلاعات قرآن از مجموعه تفاسیر و نمایه‌های موضوعی آنها فراهم شود و در مرحله چهارم، نگاه این بود که همه مجموعه زمینه‌ای برای تهیه یک تفسیر موضوعی فراهم آورند؛ کاری که اکنون به نام تفسیر راهنما شناخته شده است و در آن دست کم هجده نفر نیروی محقق و زبده حوزه علمیه قم مسئول این مجموعه هستند که اگر این را با کار اولیه آن مقایسه کنیم، می‌توان گفت چهل درصد برای دوره اول بوده و بقیه این کار توسط محققان «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» انجام گرفته است و علاوه بر این گروه، مجموعه دیگری نیز برای نمایه‌سازی کار می‌کردند که آقای مرادی مسئول آن بودند و هدف این بود که به صورت علمی و فنی نمایه‌سازی و اطلاعات را سازماندهی کنند، و بخش اطلاع‌رسانی در حوزه دین، کار جدیدی بود که در حوزه‌های علمیه انجام شد.

در زمینه جایگاه تفسیر راهنما می‌توان گفت: تفسیر راهنما به لحاظ طبقه‌بندی بین تفاسیر دیگر یک تفسیر عصری است؛ یعنی تفسیری که متعلق به زمان خود است و اگر آن را با تفاسیر موجود - ده تا بیست تفسیر موجود چه فارسی و چه عربی را که در این دو دهه اخیر در فرهنگ شیعه تولد یافته است - مقایسه کنیم، یکی از تفاسیر کارآمد قرآنی است که می‌تواند با مخاطبان خود به شکل طبقه‌بندی شده و با دسته‌بندی مطالب، ارتباط برقرار کند. ویژگی‌های این تفسیر را می‌توان به هفت ویژگی رده‌بندی کرد:

در مجموعه تفاسیری که تا کنون چاپ شده، شاید تنها دو تفسیر داشته باشیم که به صورت گروهی انجام شده است؛ یکی تفسیر نمونه که حدود ۲۰ الی ۳۰ سال پیش بوده و یک تفسیر همین تفسیر است که از نظر استفاده از منابع و روزآمد کردن و دیگر خصوصیات، تفاوت جدی دارد و امتیاز اول این تفسیر را می‌توان گروهی بودن آن دانست که مجموعه گروه‌ها نظریات خود را بیان می‌کردند و نظر اکثریت مورد قبول قرار می‌گرفته و اعمال می‌شده است.

آقای معادخواه گفتند که در زندان می‌توانستیم از منابع استفاده کنیم، اما به جرأت می‌توانم بگویم که حجم استفاده منابعی که محققان مرکز فرهنگ قرآن از منابع مختلف داشته‌اند، بی‌نظیر است و خود کتابخانه مرکز که یکی از بهترین کتابخانه‌های تخصصی جهان اسلام است، گویای این امر است؛ لذا ویژگی دوم این تفسیر بهره‌گیری از منابع فراوان است. ویژگی سوم این است که به لحاظ تقسیم‌بندی روشی، دارای دسته‌بندی مختلف است؛ برخی تفسیر قرآن به قرآن، برخی قرآن به حدیث، و برخی تفسیر قرآن به روش عقلی هستند و شیوه‌های مختلفی وجود دارد. تفسیر راهنما از همه شیوه‌های تفسیری استفاده کرده؛ یعنی هم از قرآن به عنوان یک منبع و هم از حدیث استفاده کرده و از روایات زیادی استفاده شده است و البته هر روایتی پذیرفته نمی‌شد؛ مگر اینکه مورد قبول جمع واقع می‌شد؛ لذا استفاده از حدیث نیز یکی از نکات مثبت و مهم تفسیر است. استفاده از عقل و تجربه‌های تفسیری یعنی استفاده از آرا و نظریات مفسران نیز مشهود است.

ویژگی چهارم، استفاده از مقایسه و تطبیق است؛ یکی از روش‌هایی که در دوران اخیر بر آن تأکید شده است و حضرت امام‌قدس سره نیز در تفسیر خود بر مقایسه و تطبیق تأکید کرده‌اند. این تطبیق‌ها را در کلید واژه‌ها شاید ببینیم و وقتی به مسائل زمان خود ارتباط پیدا می‌کنیم، این حوزه را کاملاً می‌فهمیم.

ویژگی پنجم تفسیر، نمایه‌سازی و بهره‌گیری از تقسیم مطالب به موضوعات قابل دسترسی است. وقتی تفسیر را نگاه می‌کنید، علاوه بر آنکه فهرست موضوعات دارد، در هر آیه موضوعاتی که با آن ارتباط دارد، به دقت مشخص شده است.

شاید در تاریخ ایران و اسلام چنین نمایه نمونه‌ای نداشته باشیم و شاید بیش از دویست سیصد تفسیر را هم مقایسه کردیم. در جهان اسلام هیچ تفسیری را نداریم که طبقه‌بندی موضوعی را به این شکل علمی انجام داده باشد. ششمین ویژگی که می‌توانیم درباره این تفسیر ذکر کنیم، استفاده از روش‌های نشانه‌شناسی است که اصطلاحاً ما امروز از آن به «سمانیک» تعبیر می‌کنیم، یعنی استفاده کردن از دلالت‌های مختلف و نشانه‌های ظاهری و غیر ظاهری دلالت‌های مطابقی، تضمینی، التزامی و اقتضا و اشاره و امثال اینها که شکلی بسیار گسترده دارد. . . .

ویژگی هفتم این تفسیر، بهره‌گیری از اندیشه‌های اجتماعی است.

و هشتمین ویژگی که به نظر من خیلی مهم است، این است که با تمام دقت‌ها و ژرف‌نگری‌ها، به زبان فارسی نوشته شده است و همه افراد فارسی زبان می‌توانند از آن در سطوح مختلف استفاده کنند و کاری که بعد از دوره مسئولیت من انجام شده، همراه شدن تفسیر با ترجمه‌ای از آیات است و البته آماده شدن این مجموعه برای فرهنگ موضوعی و تفسیر موضوعی قرآن است که این نیز از ویژگی‌های این مجموعه است. البته این همه خوبی‌ها و محاسن است و اگر فرصتی پیش آمد، درباره مورد دیگر نیز می‌توانیم صحبت کنیم.

معاذی‌خواه: من یک پرائتر باز می‌کنم و آن اینکه معتقدم ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» در فارسی غلط رایج است؛ همه می‌گویند: «به نام خداوند بخشنده مهربان» کم‌ترین نقص این ترجمه آن است که «مهربان» و «بخشنده» هم خانواده نیست؛ در حالی که رحمان و رحیم هم خانواده است.

حداقل انتظار از یک ترجمه این است که برای دو واژه هم خانواده در عربی دو واژه هم خانواده در فارسی پیدا کنیم. برای «رحمان» مهرگستر را انتخاب کردم و فکر کنم قابل دفاع باشد. به هر حال اگر بهتر از این شد که چه بهتر و گرنه دو واژه هم خانواده نیاز داریم. من برای دوستانی که در این جلسه حضور دارند و شاید این سؤال برایشان پیش بیاید که اصلاً این تفسیر راهنما چیست؟ به همین «بسم الله الرحمن الرحيم» اشاره می‌کنم. «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌خواهد براساس این تفسیر روی کاغذ بیاید؛ موضوع‌های زیادی از «بای» «بسم» گرفته شده است. وقتی شما می‌گویید «بسم الله الرحمن الرحيم» همین «باء» پیامی دارد که آغاز حرکت با اسم «الله» است نه «الله» و از همین جا وارد صفات و اسما می‌شویم و بعد خود «رحمان» و «رحیم» که به عنوان اسما و صفات الهی آمده است. بالأخره قرآن جاذبه دارد و ادب قرآنی که هر کاری با «بسم الله» شروع می‌شود و رابطه‌ای که این جاذبه رحمت در حرکت می‌تواند داشته باشد. همین این پیام‌ها استخراج می‌شود و نظم و ترتیب پیدا می‌کند و به همین ترتیب تفسیر آیات تا آخر قرآن ادامه پیدا می‌کند. از آقای طالبی می‌خواهیم که در مورد روش و شیوه کار تفسیر راهنما توضیح دهند.

طالبی: حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: قرآن یک لایه ظاهری دارد که بسیار زیباست، هر کس اندکی با زبان عربی آشنا باشد، قرآن را باز می‌کند آیات را می‌خواند مجذوب زیبایی بیان و اسلوب قرآن می‌شود، ولی علاوه بر این ظاهر زیبا که قرآن واجد آن است، در تفسیر راهنما سعی شده، در حد توان مطالبی را که آیات قرآن در ظاهر و در لایه‌های زیرینش به آنها اشاره کرده است، استخراج شود. باطن قرآن تمام شدنی نیست و بسیار ژرف است و ما نمی‌توانیم به قعر آن برسیم، ولی در حد توان می‌توانیم استخراج کنیم.

در تفسیر راهنما سعی شده، ابتدا بر هر آیه متمرکز شده و مهم‌ترین تفسیرهایی که از صدر اسلام تا زمان حاضر نوشته شده است، به دقت بررسی شود؛ سپس یک‌یک موضوع‌هایی را که می‌توانیم از این آیه استخراج کنیم، به صورت یک فیش و یک گزاره بلند و کوتاه به صورت شماره‌بندی لیست کنیم. این مطلب، بعضی ساده و آسان است، ولی بسیاری از آنها اگر توضیح داشته باشند، خواننده نمی‌تواند پی ببرد که چرا این مطلب از این آیه استخراج شده است. در تفسیر راهنما سعی شده است که مطالبی که به توضیح نیاز دارد، در ذیل فیش‌ها به صورت روان و ساده توضیح داده شود و بدین ترتیب، از ابتدا تا انتهای قرآن، آیات را یک‌یک مورد بررسی دقیق قرار داده و گروه، در حد توان خود هر موضوعی را که می‌توانستند، استخراج می‌کردند و اگر به توضیح نیاز بود، ذیل آن می‌نوشتند و به گروه دیگر برای نمایه‌سازی تحویل می‌دادند که آن، مرحله دوم کار و فهرست تفسیر راهنماست که حدود دو جلد می‌شود و تمام موضوع‌هایی که در تفسیر راهنما به صورت پراکنده آمده است، در آنجا جمع می‌شود و در واقع فهرست موضوعی کامل، برای قرآن است؛ برای مثال، اگر شما برای توضیحی به المعجم المفهرس مراجعه کنید، تنها پاسخ‌گوی موضوعی است که کلمه‌ای از آن در قرآن آمده باشد، ولی بسیاری از آیات است که درباره آن موضوع بحث و حرف دارد، ولی کلمه‌ای از واژه‌های مرتبط با آن در آیه نیامده است؛ در تفسیر راهنما سعی شده موضوع‌هایی که عنوان آن موضوع نیامده ولی در آیه مطرح است، استخراج شده و فهرست تفسیر راهنما که همان «کلید قرآن» است و شاید بیش از هزاران موضوع در آن جمع‌آوری شده، به صورت گسترده آنها را بیان کرده است.

یزدی: به نظر می‌رسد توضیح‌هایی که دوستان می‌دهند، پاسخ به پرسش‌هایی باشد که در ذهن حضار درباره تفسیر راهنماست، مگر پرسش‌هایی که ما پاسخ نداده باشیم؛ از جمله در مورد سؤال آقای معادیخواه که در مورد «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتند؛ اما در تفسیر راهنما اصلاً «بسم الله» ترجمه نشده است و همان متن قرآن نوشته شده که این برخاسته از شیوه‌ای است که متصدیان تفسیر پیش گرفتند و بر آن بودند که نکته‌های «بسم الله الرحمن الرحیم» را استخراج و جدا جدا کنند و برای هر یک بند و جمله مستقلی بنویسند؛ مثلاً بنویسند: خدای تعالی دارای رحمت گسترده بر همه مخلوقات است و بگویند که این مطلب از «رحمان» استفاده شده است، تا مشخص شود از کجا استفاده شده و به همین مقدار اکتفا شده است. آن کلمه قرآنی نیز زیر آن جمله فارسی نگاشته شده تا هر خواننده‌ای که جمله فارسی را بخواند و آن بخش آیه را زیر آن ببیند، بداند از آن بخش آیه استفاده شده است. ممکن است عده‌ای چگونگی استخراج را به سادگی بفهمند و ممکن است عده‌ای نتوانند کشف کنند و نویسندگان در این باره توضیح داده‌اند که «رحمان» صیغه مبالغه است و با «رحیم» تفاوت دارد و این تفاوت در گستردگی همه مخلوقات یا در گستردگی خود رحمت و عظمت آن است.

بعد تفسیر راهنما کار خود را انجام داد، یعنی برداشت‌های متعدد از «بسم الله» تمام شد، باز این نیاز پیش می‌آید که خواننده تفسیر برای به دست آوردن یک مفاد اجمالی از آیه، تمام برداشت‌ها را بخواند تا به معنی برسد و شاید به زحمت بیفتد. برای آسان کردن کار، یک گروه دو نفره برای ترجمه جدید قرآن تشکیل شد. در این گروه دو نفره، یکی می‌نوشت و دیگری نقد می‌کرد. با توجه به برداشت‌ها می‌توانستیم همراه تفسیر یکی از ترجمه‌های موجود را ملاک قرار دهیم؛ اما فکر

کردیم ممکن است با برداشت‌های تفسیر راهنما ناهماهنگ باشد و به خود اجازه نمی‌دهیم که در آن ترجمه دخل و تصرف کنیم؛ از این رو، تصمیم بر آن شد که ترجمه‌ای نوشته شود که با فیش‌ها و جمله‌های برداشت شده سازگار باشد.

مترجم و نقاد نیز در ترجمه آزاد بودند و شاید با برداشت کنندگان مطالب نیز هماهنگ نبودند و آخرین تلاش این بود که ترجمه با مطالب ذیل آیه، تناقض و تنافی نداشته باشد. اینکه در خود ترجمه، تمام برداشت‌ها منعکس شود، مسلماً امکان‌پذیر نبود؛ در کلمات عربی آن‌قدر مطالب گنجانده می‌شود که اگر عرب در ذهنش از یک کلمه معنایی داشته باشد که یک فارسی زبان بخواهد کلمه‌ای از فارسی را جایگزین کند، نمی‌تواند با یک یا دو کلمه معنی را برساند، مگر اینکه با جمله مفاد آن را بیان کند و شما اگر بخواهید تفاوت اساسی و حقیقی میان «رحمان» و «رحیم» را پیدا کنید، باید برداشت‌ها را بخوانید: آنجا منعکس شده که خود رحمان یا رحیم معنایش چیست یا ارتباط رحمان با رحیم چیست؟ اساساً «بسم الله الرحمن الرحیم» در آغاز قرآن به چه معنی است؟ اینها باید به صورت مطلب جدا مطرح شود تا یک فارسی زبان بتواند به معنی و فهم آنها دسترسی پیدا کند - و اینکه مثلاً من «بخشاینده» را به «مهرگستر» تبدیل کنم و خاطر جمع باشد که رحمان را ترجمه کردم و شاید اصلاً «مهر» نتواند کلمه رحمت عربی را منعکس کند؛ مهر با رحمت عربی فرق دارد.

رحمت کلمه‌ای است که در آن عطا کردن به دیگری نیز وجود دارد نعمت‌هایی که از روی دلسوزی بر دیگران می‌دهیم از مصادیق رحمت است و کلمه مهر کوتاه است و اینها را نمی‌رساند. عده‌ای در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برای رحیم، «مهرورز» را انتخاب کردند، و این انتخاب‌های گوناگون تنها در یک مرکز است که در آن ترجمه و تفسیر راهنما تدوین شده که در همان‌ها باز روی کلمات به این نتیجه واحد نرسیدند که همه یک چیز را انتخاب کنند.

در تفسیر راهنما، افزون بر اینکه محققان بخش ترجمه با محققان بخش تفسیر متفاوت‌اند، محققان بخش تفسیر پنجاه نفر بودند که در گروه‌های پنج نفری کار می‌کردند و گاه برداشت‌های هر گروه متفاوت بود. علت این است که کار گروهی این فایده را دارد که آن گروهی مطالبی را استخراج کرده و گروه دیگر از آیات دیگر مطالب مشابهی استخراج کرده است و مراجعه کننده به هر دو دسترسی پیدا می‌کند، هر چند عده‌ای، این را جزو عیوب این تفسیر دانستند. به این تصور که هر جا آیات مشابهی است، پس باید تمامی مطالبی که ذیل آن است در ذیل این نیز بیاید، در حالی که ما خودمان به این نتیجه رسیدیم که اگر به آیات مشابهی - که به ظاهر مشابه است - دقت کنیم، می‌بینیم که مشابه نیست؛ زیرا جایگاه این آیه در آیات قبل و بعد معنای تازه‌ای به آن داده و در نتیجه برداشت‌ها متفاوت است.

معاذی‌خواه: به نظر می‌آید که صحبت من درست فهمیده نشد. من به تفسیر راهنما نپرداختم، بلکه منظورم این بود که در ترجمه‌های موجود همه می‌گویند: «بخشاینده و مهربان» در مقایسه، من مهرگستر مهربان را انتخاب می‌کنم. اگر به ترجمه بپردازیم، مثلاً همین «بسم الله» را مورد بحث قرار دهیم، بحث گسترده و طولانی می‌شود که آیا ما اصلاً می‌توانیم در ادبیات فارسی ترجمه‌ای از قرآن داشته باشیم، فعلاً ادعای بنده در مقایسه معنای «مهرگستر مهربان» این نقص را ندارد. من امیدوارم کاری از این نهاد پژوهشی قم شروع شود و یک باشگاه گفت‌وگو ترجمه تشکیل شود که درباره ترجمه همه نظریات را گردآوری کند. ضمن آنکه باید گفت این جلسه نقد تفسیر راهنما نیست، بلکه معرفی آن است.

مرادی: من پیش از شروع سخن جمله‌ای را از آقای معادیخواه اصلاح کنم. ایشان از دست نوشته‌های زندان از ۳۰ دفتر نام بردند که ۲۲ دفتر است و البته از اول تا پایان قرآن هست. از سوره «فاتحه» تا سوره «ناس» کاملاً فیش برداری شده است؛ اما من تصورم این است که برای بررسی یک تفسیر لازم است چند چیز مورد عنایت قرار گیرد اول مبانی مفسر در شرح و نگارش آیات قرآن است. ممکن است مفسران مبانی‌ای برای خودشان انتخاب کنند که طبیعتاً این مبانی در روش تفسیر آنها مؤثر است و دوم، روش‌شناسی مفسر است که برای فهم نگاشته او مهم است، و سوم بررسی کمبودها و نقص‌ها و تطبیق مبانی و روش‌های مفسر با آنچه که انجام داده است و اینجا معلوم می‌شود که آیا مفسر راه درستی انتخاب کرده، یا اینکه آیا به مقصدی که انتخاب کرده، رسیده است؟

در تکمیل سخنان آقای ایازی باید گفت: اصولاً تفسیر راهنما برای تدوین کتاب مرجع قرآنی نگاشته شده است. همان‌طور که قرآن پژوهان می‌دانند، در قرآن، معارف فراوانی نهفته است که پاره‌ای با الفاظی بیان شده و پاره‌ای دیگر لفظ خاصی ندارد و در لابلای الفاظ و به صورت کنایه و اشاره آمده و یا به نحو چینش کلمات و هیأت جملات و کلمات بستگی دارد. پس از روشی که فکر می‌کنم «ژول لایبوم» فرانسوی آغاز کننده آن بود، عمده کارها در قالب معجم لفظی بوده که در قالب کشف آیات، کشف لغات و در این گونه معجم‌ها تدوین می‌شد که رقم آنها کم نبود.

وقتی که دایره اسلام گسترش پیدا کرد حافظان قرآن اندک بودند و کسانی نمی‌توانستند قرآن را حفظ کنند و به چیزی دسترسی نداشتند؛ در نتیجه به این فکر افتادند که کسانی حداقل کشف‌الآیات و این قبیل کتاب‌ها را تدوین کنند و این شبیه کار «ژول لایبوم» قرآن‌پژوه فرانسوی که تفسیر آیات را نگاشت که البته کاربرد آن در سطحی بسیار محدود است و فکر می‌کنم تا ۳۲ محور اصلی دارد و بقیه محورها فرعی است و در جهان عرب مورد استقبال قرار گرفته و بعد به ایران آمد که اعتماد السلطنه از علما درخواست کرد شبیه این کار در ایران نیز انجام شود و آنها کار جدیدی شروع کردند که تقریباً یک دوران گذار از دوران کشف‌اللغات و کشف‌الآیات به معجم‌نگاری موضوعی بود و بعدها توسعه یافت و بیشتر افرادی مثل مرحوم رامیار به تدوین معجم‌های موضوعی قرآن روی آوردند؛ یعنی طبقه‌بندی آیات به موضوع‌های مختلف؛ مانند مباحث عقیدتی، خانوادگی، اقتصادی و... که البته به هیچ وجه جامع و کامل نبود.

جریانی که در تفسیر راهنما شروع شد، همه آن مجموعه‌ها را مد نظر قرار داد و آنچه مد نظر بود، دیده نشد و تصمیم گرفته شد کتابی مرجع آماده شود که همه مطالب قرآن کریم به نحوی آورده شود، چه حاوی لفظ خاصی باشد و چه آن دسته که از لابه‌لای آیات و کلمات و هیأت جملات به دست می‌آید، ولی لفظ خاصی ندارد و اگر کسی بخواهد آنها را از قرآن دریابد، باید به مشقت فراوان پیدا کند. در آغاز، آقای معادیخواه و آقای هاشمی رفسنجانی هم نظرشان این بود که کتاب مرجعی تدوین کنند. در همان ماه‌های اول کار برای اینکه همه ابعاد و مطالبی که در قرآن کریم آمده است، دقیق دیده شود، قرار شد همه تفاسیر با گرایش‌های مختلف مثل تفسیرهای علمی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار گیرد که آیات از هر منظری دیده شود؛ به علاوه آنکه گروه‌های علمی تشکیل دادند و مباحث علمی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی هم راه افتاد و در ماه‌های نخست، گروه‌ها شکل گرفت و قرار شد دوستان نگارنده تفسیر با توجه به لغات و واژه‌های جدید و

تخصصی، تفسیر را بنگرند و نمایه‌سازی هم دقیق باشد تا این جامعیت کاملاً تحقق پیدا کند که متأسفانه این امر جامه عمل نپوشید.

آقای ایازی توضیح دادند که تفسیر راهنما عصری است، بنده می‌گویم تفسیر عصری است و می‌تواند باشد؛ به این دلیل که کتاب مرجع در پی انداختن طرح جدید نیست، گرچه که تلاش در این باره انجام شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن کریم مختص به یک زمان خاص نیست که برای زمانی باشد و برای زمانی نباشد و برای مردمانی باشد و برای مردمانی دیگر نباشد، بلکه برای هر عصری جدید است و برای هر نسل، قوم، ملت و گروهی تا روز قیامت نو است. با این نگاه وقتی به قرآن می‌نگریم، بتوانیم پاسخ‌های زمان خود را بیابیم، وارد تفسیر راهنما شویم. اگر دوستان دقت کنند مطالبی از روزگاران ما هم در آن آمده است؛ اما این محدودیت به ما اجازه نداد که قلم فرسایی کنیم و به تحلیل و بررسی عمیق همه مفاهیم و واژه‌ها پردازیم و آنها را با نیازهای روزگار خود تطبیق دهیم؛ چون ما در پی یافتن آیات پراکنده در قرآن و در لابلای الفاظ و مطالب و کلمات و جملات بودیم که اطلاع‌رسانی دقیقی ارائه کنیم و کتاب راهنمایی باشیم که خوانندگان اطلاعات مورد نظر خود را در آن بیابند.

موضوعات زیادی در قرآن کریم وجود دارد، اگر کسی خواست آنها را بیابد، چه باید بکند؟ متولیان تفسیر راهنما عهده‌دار این بودند که کاری در این زمینه انجام دهند و به همین دلیل این اثر در عین تفسیر بودن، کتاب مرجع است. با این تفاوت که در اینجا امکان قلم‌زنی و بررسی گسترده وجود نداشت و خیلی نمی‌شد آیات را به طور گسترده تفسیر کرد. تفسیر در ۲۰ جلد منتشر شده است، هر جلد بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ جلد فیش دارد که هر فیش دارای دو یا سه نکته جدی است؛ بنابراین، اگر میانگینی از مطالب استفاده شده از قرآن کریم بگیریم، بالغ بر ۶۰/۰۰۰ موضوع قرآنی را به صورت مستقل آوردیم که هر کدام دارای ابعاد مستقلی هستند که اگر از هر فیش سه موضوع در نمایه‌سازی گرفته شود، حدود ۱۸۰/۰۰۰ موضوع می‌شود که بخشی تکراری است و با حذف آنها ۱۰۰/۰۰۰ موضوع می‌شود که در پانزده سال این موضوعات را استفاده کرده‌ایم.

ملاحسنی: یکی از ویژگی‌هایی که آقای ایازی گفتند، بحث نمایه‌سازی و فهرست‌نگاری در تفسیر راهنما بود، این قسمت را تا حدودی بنده دنبال می‌کنم و مزایایی را که در این قسمت قابل ذکر است، بیان می‌کنم که شاید ثمر بخش باشد. منظور از «نمایه» راهنمایی کردن است و در تفسیر راهنما یک ویژگی، مدخل‌ها و نمایه‌هایی است که در آن گنجانیده شده است. نمایه‌سازی در دو نوع «سنتی» و «ماشینی» انجام می‌شود و شاید اولین کاری به این شیوه باشد که در تفاسیر قرآن شکل گرفته و این کار با شیوه سنتی شاید اولین پیشینه است که در تفسیر انجام می‌شود. با توجه به سیاست علمی مرکز، سیستم نمایه‌سازی مقید را پذیرفتند و زبان «هم آرا» را پیش گرفتند که شاید بتوان گفت یکی از بهترین نمایه‌سازی‌هاست که در بحث اطلاع‌رسانی مطرح می‌باشد.

نمایه‌سازی «هم آرا» نیز در دو گرایش شکل می‌گیرد، یا «پس هم آرا» یا «پیش هم آرا» می‌شود که هر کدام مزایای خاص خود را دارد و همان طور که آقای معادیخواه گفتند، دفترهایی که در ابتدای امر به این مجموعه واگذار شد، نمایه‌سازی «پس هم آرا» را تا حدودی داشت؛ یعنی تکواژه، می‌گذاشت. هم آرا یعنی واژه‌های مدخل‌ها ضبط و در لیستی به کاربر

نمایه تحویل داده می‌شود که نمایه ساز و کاربر نمایه تنها از یک مدخل و عنوان استفاده کند و از زبان آزاد استفاده شود و به قلم فیش بردار و مفسر نگاه نکند و آنچه را خودش تشخیص می‌دهد را انتخاب نکند و مدخلی نباشد که باعث تشنگت در اطلاع‌رسانی شود؛ لذا ابتدا سیاهه نمایه تعیین می‌شود و به کاربر سپرده می‌شود که «هم آرا» می‌شود؛ اما اگر «پیش هم آرا» باشند؛ قبل از ورود به بانک اطلاعات، می‌باید سیاستی را در پیش بگیرند، و نیز پیش از اینکه این اطلاعات به بانک برود و اطلاعات در رایانه بازیابی شود، قسمتی از کار را به نمایه ساز دادیم و قوانینی را در آنجا مصوب کردیم که اگر نمایه‌ای درست ترکیب شود، پیام یک فیش و پیام مدرک را بازگو کند که از پیش چه مدخل‌هایی با چه عنوان‌هایی ترکیب شود و به چه صورت ترکیب این روش «هم آرا» که معروف به نمایه‌سازی «مهار شده» است، انتخاب شد؛ لذا از مزایای تفسیر راهنما، نمایه‌هایی است که تحت هر فیشی ثبت و ضبط می‌شود. بهتر است من مراحل نمایه‌سازی را بیان کنم. بعد از کارهایی که گروه تفسیر راهنما که شکل‌های مختلف داشتند و یک آیه را با دیدگاه‌های مختلف فیش‌برداری می‌کردند، هر گروه بعد از تمام شدن مراحل فیش‌برداری، همه فیش‌ها را به گروه‌های مختلفی (به مقتضای موضوع به گروه‌های خاص خود) تحویل دادند و بعد از اینکه فیش به گروه‌های مختلف در واحد نمایه‌سازی تحویل داده می‌شد، طبق آن سیاست، فهرست مدخل‌ها و فهرست نمایه‌های ترکیبی تدوین می‌شد. الان یکی از پیام‌های خوب ما برای جامعه فرهیخته این است که در بانک اطلاعات بعد از پایان جلد ۲۰ بیش از ۲۰۰/۲۰۰ نمایه ترکیبی وجود دارد که اگر محققى دنبال مطلبی باشد، آنچه در تفسیر راهنماست با یک برنامه هوشمند در بانک اطلاعات طراحی شده است و با مدخل‌هایی آماده است که پس از برنامه‌ریزی - ان شاء الله - به صورت نرم‌افزار در دسترس قرآن پژوهان قرار می‌گیرد، و این ۲۰۰/۲۰۰ نمایه دسترنج دوستانی است که در این بخش فعالیت کرده‌اند و نمایه‌ها را به شکل خاصی که زینده یک تفسیر نوین است، عرضه می‌کنند و از امتیازهای این تفسیر یکی همین است که توانستیم نمایه را به صورت ترکیبی و پیش هم آرای با مداخل خاص داشته باشیم.

البته باید گفت که در نمایه‌سازی «پیش هم آرا» دو ابزار کار جزء ضروریات لاینفک است که اگر نمایه‌سازی «پیش هم آرا» بخواهد رونق بگیرد، باید این ابزارها را داشته باشد؛ یکی اصطلاح نامه است و یکی از محصولات ما تهیه اصطلاح نامه معارف قرآن است که آماده چاپ شده و شاید اولین اصطلاح نامه در حوزه قرآن باشد و می‌تواند حرفی درباره اصطلاحات قرآنی بزند، و ابزار دوم نیز به نام سیاهه نمایه‌ها که در قالب ۲۰۰/۲۰۰ نمایه ترکیبی آماده است.

معادىخواه: یکی از حضار این نکته را یادآوری کردند که این استنباط از آیات قرآن به تخصص‌هایی نیاز دارد. مطمئناً کسی که با نگاه اقتصادی به قرآن نگاه می‌کند با نگاه کسی که دید اجتماعی، عرفانی و... دارد، متفاوت است. قرآن کریم برای نگاه‌های متفاوت و هر گروه و قوم خاصی نیز، کتاب هدایت است. سؤال این است که آیا تمام تخصص‌ها در پیدایش تفسیر راهنما نقش داشته‌اند؟ باید گفت تلاش شده است که این کار انجام شود؟ اما این شروع کار است و آنچه اینک انجام شده با همه عظمت و ارزش و نو بودن، آغاز کار است؛ و من تصور می‌کنم که اگر یک باشگاه گفتمان برای جمع‌آوری آرا و نظریات داشتیم، این کار می‌توانست کامل باشد. سؤالی هم هست و آن اینکه این نهاد با دیگر مراکز تحقیقاتی چه

ارتباطی دارد؟ که بهتر است خود دوستان پاسخگو باشند و در واقع در استنباط از آیات قرآن، ما چه راهی را می‌توانیم پیدا کنیم که همه سلیقه‌ها و برداشت‌های متفاوت را در بر بگیرد؟ تقاضا می‌کنم آقای ایازی در این باره توضیح دهند.

ایازی: چیزی که ما به عنوان یک اصل کلی پذیرفتیم، این است که ما «خاتم الانبیا» و «خاتم الکتب» داریم، اما «خاتم المفسرین» نداریم که بگوییم این تفسیر بهترین است، از این بهتر نمی‌آید و حرف آخر را زده است؛ لذا کسانی که در این مجموعه کار می‌کنند، وقتی قرار شد این اثر نقد و ارزیابی شود، هیچ وقت این ادعا را ندارند که حرف بی‌نقصی را گفته‌اند؛ به همین دلیل، آن نکته که آقای مرادی نیز اشاره کردند، شاید یکی از پیامدهای طبیعی یک کار گروهی آن باشد که مجموعه کار هماهنگ و یک دست نباشد. خداوند متعال هم درباره خود اصل وحی این اشاره را کرده و گفته است که اگر این کلام از غیر خدا بود، اختلاف زیادی ایجاد می‌شد که این اختلاف زیاد نشانه ضعف و نقص کار است و به علت ناهماهنگی در مجموعه تفسیر راهنما، دست‌اندرکاران از اول به بازبینی مجدد این تفسیر پرداختند.

طبیعی است که نقص یاد شده وجود دارد و کسانی که این کار را انجام دادند، ابایی از طرح آن ندارند و واقف هستند که این مشکل وجود دارد. در تفسیر المیزان و بقیه هم محسوس است که در جلد اول تا سوم تفاوت اندیشه است و قطعاً در بین مفسران دفتر فرهنگ قرآن نیز تبدل رأی ایجاد شده است. حال اگر این تبدل را ما به حساب دیگران هم بگذاریم، خواه ناخواه می‌بینیم که این مسئله وجود دارد و این طبیعی است که در یک کار گروهی بازبینی مجدد اقتضا پیدا می‌کند. من قصد نقد تفسیر راهنما را ندارم؛ زیرا دست کم ۷ تا ۸ جلد را خود من کار کرده‌ام و کاملاً می‌فهمیم که مشکل کار کهجاست؛ لذا اگر بخواهم فهرست وار بگویم یکی از مشکلات این است که مجموعه فهرست یک سطح نیست و فراز و نشیب دارد و دیدگاه‌های متفاوت در آن دیده می‌شود و من سخن آقای یزدی را اصلاح می‌کنم که اگر در جمله و یا فرازی یک جور و جای دیگر یک جور دیگر تفسیر شد، این امتیاز نیست.

ممکن است ناگزیر و ناخواسته هم اتفاق بیفتد، ولی باید آن را برطرف کنیم و نمی‌تواند امتیاز باشد، و نکته دیگری که در تفسیر عصری داریم، و فرق بین وحی و تفسیر هم همین است، مطابق نیازها و مخاطبان جدید می‌خواهد تغییر کند؛ بنابراین در مدت ده تا پانزده سال نیازهای جدیدی پیدا می‌شود که مفسران باید پاسخگوی آن نیازها باشند و اقتضا می‌کند که بازبینی و ویرایش جدید بشود و من به این جهت عرض می‌کنم که کار خوبی که مرکز در حال حاضر انجام می‌دهد، بازبینی تفسیر است و هیچ وقت فکر نکنند که کار تفسیر تمام شده است. یک دائرة المعارف نیاز به ویرایش دارد و البته تفسیر، آن هم تفسیر راهنما نیاز به بازبینی مداوم دارد.

معادیخواه: آقای باقری از حاضران جلسه می‌خواهند نکته‌ای را تذکر دهند.

باقری: بنده شخصاً از این تفسیر استفاده کرده‌ام. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم ناظر بر حرف آقای یزدی بود. من بارها این تفسیر را به طور موضوعی از آغاز تا پایان بر حسب نیازهایی که داشتم، خوانده‌ام. یک موضوع را در نظر گرفتم و بدون استثنا تفسیر را از نظر پرداختن به یک موضوع واحد ناقص دیدم. از یک آیه خاص و یک مضمون و محتوا برداشت‌های متفاوت و متنوعی ارائه شده و این توضیح کافی نیست که چون آیات در جاهای متفاوت و سیاق‌های متفاوت است، پس این حق وجود دارد که برداشت‌های متفاوتی از آن بشود.

اگر ما در صدد توجیه وجود تفاسیر مختلف بودیم، این سخن پذیرفتنی بود که هر مفسری در تفسیری که به نام خودش است، نظری ارائه داده، ولی وقتی از یک تفسیر سخن بگوییم و صدها نفر در آن مشارکت داشته باشند، وحدت عنوان تفسیر اقتضا می‌کند که برداشت‌های یکسان و منسجم وجود داشته باشد. البته این مقدار پذیرفتنی است که از یک آیه در فرازی به علت ما قبل و و ما بعدش، به نسبت یک آیه مشابه برداشت ویژه‌ای بشود؛ اما این قابل قبول نیست که از متن صریح یک آیه، در جایی برداشتی بشود و در جایی دیگر از آن غفلت گردد که فراوان به چشم می‌خورد. نکته دیگر این است که اساس کار تفسیر راهنما، برای استخراج موضوعات قرآنی از غیر کلمات صریح بوده است؛ اما در عین حال وقتی موضوعی به تفسیر نگاه می‌شود، می‌بینیم که از مفاهیم بسیاری غفلت شده است؛ اما در عین حال وقتی موضوعی به تفسیر نگاه می‌شود، می‌بینیم که از مفاهیم بسیاری غفلت شده است؛ مثلاً جایگاه قرآن را مورد مطالعه قرار دادیم و تفسیر راهنما را نگاه کردیم که از مجموعه نمایه‌ها و مدخل‌هایی که برای این منظور به تفسیر عرضه شده و به نظرم صدها نمایه جدید می‌باشد، در تفسیر راهنما خبری نیست.

معادینخواه: چون به سخنان آقای یزدی نقدی شد، از ایشان می‌خواهم پاسخ دهند؛ اما فکر می‌کنم یک اشکال اساسی در برنامه کار هست که اگر بخواهد آن مسئله عنوان شود، به یک فرصت و وقت دیگر نیاز داریم.

یزدی: بحث به آنجا کشیده شد که مشتاق آن بودیم که نقدها را برای اصلاح کار بشنویم. گفته شد در آیات مشابه تفاوت مفهوم در تفسیر وجود دارد و این را چگونه توجیه می‌کنید؟ آقای ایازی توضیحی دادند که در واقع توجیه عملی کار بود که نامی‌سر بودن و هماهنگ ساختن پنجاه فکر است که به یک تفسیر پرداخته‌اند و اینها در گروه‌های پنج نفره و در گروه‌های کنترل سه نفره و در گروه دو نفره به نام گروه کنترل ثانویه، مشغول بودند؛ یعنی سه مرحله روی این آیات کار شد. در مرحله اول که گروه‌های پنج نفره، برداشت‌های خود را یادداشت می‌کردند و همه قرآن فیش‌برداری شد، در گروه‌های سه نفره این یادداشت‌ها بار دیگر بررسی گردید که در اثباتش مشکلی وجود دارد یا خیر و آیا مشکل را می‌توان بر طرف کرد یا خیر؟ گروه‌های سه نفره بیشتر کارهای گروه‌های قبلی را بررسی کردند و اصلاحات انجام شد. باز هم کار نقص داشت، کار به گروه‌های دو نفره داده شد تا یک نفر عهده دار اصلاح نهایی شود و یک نفر همراه آن نفر اصلی یادداشت‌های او را نقد کند، و تا هنگام چاپ از نظر سه گروه متفاوت گذشت. اما ما در این میان، فاقد گروهی بودیم که به این صورت به برداشت‌ها نگاه کند که آیات مشابه را هماهنگ کند، حال چرا ما این گروه را تشکیل ندادیم؟ زیرا کار تفسیر تکمیل نشده بود و وقتی جلد اول را عرضه کردیم، احساس کردیم که برداشت‌ها مشکل دارد و مجبور شدیم جلد اول را بازنویسی کنیم، و اصلاحات عمده‌ای در جلد اول انجام شد و در جلد‌های دوم و سوم باز این امر را احساس کردیم و فکر کردیم که اگر از همین الان گروه هماهنگ‌سازی برداشت‌ها تشکیل شود، ناموفق خواهد بود، زیرا ما هنوز کار جلد‌های نهایی را آماده و عرضه نکرده‌ایم که بخواهیم اینها را معیار قرار دهیم و بین آیات مشابه جمع کنیم؛ لذا منتظر ماندیم که ۲۰ جلد تفسیر آماده شود که الحمدلله به چاپ رسیده است. الآن فرصت خوبی است که گروه هماهنگ‌سازی تشکیل شود تا آیات مشابه یکدیگر را به این صورت نگاه کند؛ برای مثال، مبنای «فبأی آلائی ربکما تکذبان»، برداشت‌هایی که ذیل اولین آیه است با برداشت اول و برداشت‌های ذیل آیه دوم ممکن است متفاوت باشد، با اینکه در یک گروه مورد

بررسی قرار گرفته است، و در اینجا معلوم می‌شود که آیه در هر جایگاهی ناظر بر یک مطلب دیده شده است. پس از اینکه ما گروه هماهنگ سازی آیات مشابه را تشکیل دادیم، از اینجا شروع کردیم که آیات مشترک را در قرآن جدا کرده و در کتابی که منتشر نشده و در اختیار خود مرکز است، جمع کردیم تا در نهایت، برداشت‌های آن را در بازنگاری تفسیر راهنما - که شروع شده و به حمدالله پیش رفته - مدنظر قرار دهیم. و همزمان با آن برداشت‌های آیات مشترک را نیز همسان می‌کنیم.

در یک آیه که اوایل قرآن است و نظیر آن در اواخر قرآن نیز آمده است، آن گروه مطالبی دارد که گروه آخر، از آن غفلت کرده است و این غفلت گروه دوم و یا گروه اول باعث می‌شود مراجعه کننده از هر دو نظر استفاده کند؛ یعنی اگر گروه‌ها را موظف می‌کردیم فقط یک نظر را بپذیرند و جز این چیزی اضافه نکنند. نقص عمده‌ای در تفسیر راهنما به وجود می‌آید. بعضی گروه‌های ما متخصصان قوی و از افراد آگاه هر رشته بودند، و وقتی ۲۰ جلد را جلو خود بگذاریم، از جمع‌آوری گروه بهره‌مند می‌شویم. اینها اختلاف نیست که بگوییم نقص تفسیر راهنماست. شاید دومین اشکال این بود که گفتند شما برداشت‌هایی از آیات مشابه دارید که ناقض یکدیگر است، بله این نظر درست است و ما منکر آن نیستیم و اینکه منجمد نبودیم و اجازه دادیم به گروه‌های بعدی که برداشت‌های خود را ضمیمه کنند و در جلدی که مخصوص خود آنهاست، چاپ شود و شما به عنوان مراجعه کننده چون به هر دو مراجعه می‌کنید، می‌توانید از آیه بعدی به آیه قبلی برگردید و ذهن خود را نسبت به آیه قبلی پرورش بدهید و تکمیل کنید.

معادینخواه: سؤال دیگر را آقای طالبی جواب دهند.

طالبی: تفسیر راهنما دو جنبه دارد، یک جنبه این است که آن را با تفاسیر دیگر مقایسه می‌کنیم که هر مقایسه یک امتیاز دارد و آن این است که سبک و روش نوین در ارائه موضوع‌ها و مفاهیم قرآن دارد و روش بدیعی است و سعی شده است که مطالب هر آیه را در این روش نو در حد توان ارائه دهد. از طرفی این تجربه اول است که باید تکرار شود، پرونده تفسیر راهنما با توجه به اینکه روش بدیعی است، باز است و باز بودن پرونده تفسیر به این معنی است که نواقصی دارد و باید به تدریج برطرف شود.

مرادی: خود گروه تفسیر راهنما هم به این اختلاف برداشت‌ها پی برده بودند. یک وقت ما آیه مشابهی را پیدا کرده بودیم که ذیل یکی ۱۷ برداشت و ذیل دیگری ۱۲ برداشت و ذیل سومی ۸ تا برداشت داشت که علی القاعده باید سطح آنها بین ۱۴ و ۱۳ می‌شود، ولی خیلی تفاوت بود. این دغدغه همواره بود که تفسیر نقد شود و اشکالات مرتفع شود؛ اما به نظرم هنوز در اول راه هستیم و باید تلاش کنیم که این شروع مبارک به نتیجه برسد. این بازبینی، پاسخ نمی‌دهد و فقط هماهنگ‌سازی و یک دست‌سازی مجلدهاست.

در مورد برداشت از آیات قرآن کریم، ما اصولی در تفسیر داریم که مدون هم هست. از اصل شروع تفسیر نگاری تا دوران ما، این قواعد گفته شده و پخته شده است، ما هم در تفسیر راهنما یک تجربیاتی داشتیم که براساس آن آیین نامه اجرایی، برداشت‌ها را انجام می‌دادیم و اگر غفلتی خارج از چهارچوب بوده، در حدی نیست که لطمه‌ای اساسی به کار بزند.

بنابراین وقتی که برداشت‌ها و تفسیر و شرح یک قسمتی در یک چهارچوب شناخته شده‌ای انجام شود، چنان اختلافات فاحش و تابع ذوق و سلیقه نمی‌شود که به قول این دوست عزیز، برداشتی با برداشت دیگر ۸۰ درصد تفاوت داشته باشد. من خود به دلیل کاری که در مجموعه داشتم با پنج شش گروه تخصصی در مؤسسات مختلف همکاری می‌کردم. مثلاً حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، طبیعیات و... نمونه کار می‌دادیم و می‌گرفتم با چهارچوب‌های شناخته شده تفسیر دقیقاً منطبق می‌شود و اگر روی اصول و قواعد بود تصویب می‌شد و چنین نیست که یک متن دینی به دست هر کس داده شود و او طبق ذوق و سلیقه خودش هرگونه برداشت دلخواه خودش را تحمیل کند. البته تفسیر راهنما نتوانست به ایده‌های بزرگی که مدنظر داشت کاملاً جامه عمل بپوشاند و امیدواریم این کار در وقت دیگری و با نگاه وسیع‌تری به جامعیت بهتری برسد.

بزرگ‌ترین دائرةالمعارف قرآن کریم در جهان اسلام

قرآن کریم، اقیانوسی بی کران است که دست یابی به ژرفای معانی و بطون معارف آن برای غواصان معرفت پژوه به طور کامل میسر نیست؛ با این حال، همه ما دعوت شده‌ایم بر کرانه این اقیانوس به جست و جو پردازیم و از زلال آن نمی‌بر گیریم؛ از همین رو است که تبیین و تفسیر معارف قرآنی، از دوران نخستین مفسران اصیل قرآن، پیامبر و امامان معصوم‌علیهم السلام تا به حال، دامن گسترده و همچنان بر تارک میراث مکتوب فرهنگ ما می‌درخشد، فرزنانگان دوران ما نیز در تکاپو هستند تا از اقبال لایزال قرآن پژوهی طرفی بر بندند و در این زمره، فخری نصیب خویش و حظی از آن معرفت‌نوشان این عصر کنند. تدوین دائرةالمعارف قرآن کریم که «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بدان همت گماشته، گامی در این مسیر است.

اینک پس از انتشار جلد دوم دائرةالمعارف قرآن کریم و در آستانه انتشار مجلد سوم نگاهی کوتاه به روند و چگونگی تدوین دائرةالمعارف قرآن کریم خواهیم داشت.

اهداف

هدف اصلی این دائرةالمعارف، عبارت از ارائه اطلاعات ناب و اصیل در قلمرو موضوعات قرآنی است؛ به گونه‌ای که اهل تحقیق در این موضوعات را به مثابه منبعی مادر و ماندگار، از منابع فرعی بی‌نیاز کند. در کنار این هدف اصلی و خاص، غرض عمومی تدوین دائرةالمعارف حاضر این است که مخاطبان دانش پژوه در حده مطالعات پایه اسلامی نیز بتوانند از پژوهش‌های اصیل و استوار قرآنی بهره‌گیرند؛ از این رو، کوشیده شده تا طلاب و دانشجویان و عموم دانش پژوهان آشنا به مبانی قرآنی نیز به فراخور توان و در عرصه مطالعات عمومی یا تخصصی خود، بتوانند از مقالات این دائرةالمعارف استفاده کنند.

از آنجا که تا کنون هیچ مأخذی، به هیچ زبانی تدوین نشده که هدف آن، ارائه اطلاعات جامع قرآنی به سبک و شیوه علمی و با معیارهای امروزی تدوین دائرةالمعارف باشد؛ از این رو، «نظام یافتگی اطلاعات پایه و اصیل در قالب مقالات

تنظیم شده با نثر علمی «مهم‌ترین دغدغه تدوین دائرة المعارف‌های امروزم است که در هیچ یک از آثار ارائه شده نمی‌توان از آن نشان جست؛ به این دلیل که پدید آورندگان آن آثار یا در پی چنین هدفی نبوده و فقط می‌خواستند قاموس یا معجمی قرآنی پدید آورند یا این هدف را دنبال می‌کرده‌اند؛ اما سازمان و مجموعه‌ای دائرة المعارفی تدارک ندیده بوده‌اند تا بتوانند چنین هدفی را برآورند.

ویژگی‌ها

از ویژگی‌ها و شاخصه‌های برجسته این دائرة المعارف این است که تنها در بخش مدخل‌ها افزون بر ۳۰۰۰ مدخل اصلی در جدول تدوین مقالات فهرست شده که خود حجم عظیم کار را می‌نماید. چنین مدخل‌ها نیز بر پایه الفبای فارسی است از این رو خواننده پارسی زبان به آسانی می‌تواند در هنگام پژوهش به مطالب مورد نیاز خویش دست یابد. نکته مهم دیگر آنکه همه مقالات این دائرة المعارف، دارای رویکرد قرآنی بوده و با صبغه قرآنی نگارش یافته است.

ویژگی دیگر دائرة المعارف حاضر آن است که نگاه تخصصی به مباحث و مدخل‌ها دارد. از این رو مقالات مدخل‌ها در این فضا تألیف و تدوین می‌گردد. برای رسیدن به این مهم، به تناسب خاستگاه و قلمرو مدخل‌ها و با توجه به تعداد آنها، شش بخش علمی شکل گرفته تا به صورت تخصصی به موضوع نگریسته و به زوایای تخصصی آن توجه شود. این بخش‌ها عبارتند از:

1. فلسفه و کلام: در این بخش، مدخل‌های کلامی مانند آخرت، احکم الحاکمین و اسماء و صفات الهی به بحث گذاشته می‌شود.
2. فقه و حقوق: از مدخل‌های مربوط به این بخش می‌توان از اجتهاد، ارتداد و اسارت نام برد.
3. تاریخ و اعلام: به طور مثال، مدخل‌های ابوطالب، اصحاب صفه، و احد به این قلمرو مربوط است.
4. علوم قرآنی: مدخل‌های اعجاز، ادبیات قرآن، و احسن الحدیث را در این قلمرو می‌توان نام برد.
5. ادیان: نمونه مدخل‌های این بخش، ادریس، اسحاق، و انجیل است.
6. معارف و مفاهیم: شامل (اخلاق، اقتصاد، علوم سیاسی، علوم طبیعی، مفاهیم عمومی و...) (مدخل‌های آب، احسان، و استکبار، نمونه‌ای از مدخل‌های مربوط به این قلمرو است).

شاخص‌های مهم در حوزه روش و گردآوری

برای حفظ اصل بی‌طرفی و علمیت، همه آرا و دیدگاه‌های مهم و بنیادین در هر موضوع و مسأله به صورت مستند و بدون افزایش و کاهش آورده می‌شود؛ سپس نقدهای علمی وارد بر هر دیدگاه ذکر، و آرای موافقان و مخالفان بدون تصرف ارزش داورانه نقل می‌گردد. برای آنکه عموم مخاطبان دائرة المعارف بتوانند از بحث بهره‌برگیرند، دستاورد رویارویی‌های علمی مزبور به صورت گزارش و تحلیل بی‌طرفانه درج می‌شود. بدیهی است که چنانچه مؤلف مقاله در موضوعی دارای رأی خاص باشد، آن رأی در ردیف همان آرای پیش‌گفته و به همان شیوه جلوه خواهد کرد.

شیوه طرح مطالب در هر مقاله به گونه‌ای است که به آرا و عقاید خاص مذاهب و مکاتب اسلامی احترام نهاده شود و هرگونه نقد دیدگاه‌های غیر شیعی یا غیر مشهور با روشی منصفانه و علمی صورت پذیرد، تا از هر نوع تشنج یا دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی پرهیز گردد. هم چنین در نقد و تحلیل دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، کوشیده می‌شود تا تنها از جنبه علمی و تحقیقی به آرای آنان نگریسته شود، و از داوری‌های شخصی که خارج از حیطه تخصصی هر مقاله است، پرهیز شود.

منابع مقالات نیز منحصر به کتاب‌های چاپ شده نیست و هنگام لزوم، از کتاب‌های خطی، مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های حوزه‌ای و دانشگاهی نیز بهره گرفته شده است. بنابر آن است که منابع مقالات دائرة المعارف کاملاً معتبر باشند؛ یعنی از جنبه کتاب شناسانه، از متون مرجع و اصیل و دست اول به شمار آیند. فقط در مواردی به متون درجه دوم، از جمله منابع معاصر استناد می‌شود که ضرورتی در میان باشد؛ به طور مثال موضوع مورد بحث در منابع اخیر، تازه و ابتکاری یا مشتمل بر دیدگاه و تحلیلی نو باشد. گرچه در هر مقاله، کوشیده شده از عمده منابع علمی و معتبر در قلمرو آن مقاله استفاده شود، در استفاده از آثار دانش وران غیر مسلمان و نیز در مراجعه به آثار مسلمانان غرض ورز و متعصب، نکته سنجی و درک مواضع حساس همواره مدنظر است. گفتنی است که ارجاع مطلبی به یک منبع، لزوماً بدان معنی نیست که مطلب مزبور در همان منبع کاملاً پذیرفته شده باشد.

امید است با استمداد از آموزه‌هایی که از معارف اهل بیت علیهم السلام بدست آمده بتوان بزرگ‌ترین دائرة المعارف قرآنی جهان را عرضه نمود و از این طریق یک خلاء جدی را که در مجموعه پژوهش‌های قرآنی وجود دارد، برطرف ساخت.

چشم انداز

اکنون جلد نخست این دائرة المعارف با بیش از ۸۰ مقاله در موضوعاتی مانند: آب، آبرو، آتش، آثار باستانی، آخرالزمان، آخرت، آدم، آزادی، آسانی، آسمان، آشتی، آمنه، آل فرعون، آیات خدا، آیات نام دار، ابرار و ابراهیم به چاپ رسیده و به دوستداران قرآن کریم عرضه شده است.

جلد دوم آن نیز با موضوعاتی چون: ابوطالب، اتمام حجت، اثاث، اجاره، اجرت، اجزاء، اجل، اجماع، احتضار، احرام، احزاب، احسن الحدیث، احسن القصص، احصاء، احصار و صدّه، احسان، احضار، احقاف، اخبات، اخلاص، ادب، ادبیات، اذان، اراده، ارتداد، ارمیا، ارهاص، ازلام، اسارت و اسباب نزول انتشار یافته است.

جلد سوم نیز با موضوعاتی چون: اسباط، استبداد، استعمار، استثنا، استحباب، استحسان، استخاره، استخوان، استدراج، استراق سمع، استرجاع، استسقاء، استضعاف، استعاده، استعاره، استعانت، استغاثه، استغفار، استقامت، استقلال، استهزاء، استکبار، اسحاق، اسراء، اسرافیل، اسلام، اسماء و صفات، اسوه، اشتراک در قرآن، اشراط الساعه، اشعار و تقلید، اصحاب اخدود، اصحاب ایکه، اصحاب الجنة، اصحاب رس، و اصحاب رقیم مراحل نهایی خود را می‌گذارند و مقالات جلد چهارم و پنجم نیز تألیف شده و در حال ارزیابی است.

پیش بینی می‌شود مجموع مدخل‌ها از ۳۰۰۰ تجاوز کرده، از میان آنها ۲۰۰۰ مدخل اصلی را که در ذیل آن مقاله تدوین می‌شود، در ۲۵ جلد تدوین شود که امیدواریم تا پایان دهه ۸۰ به اتمام برسد.

امید است کار ترجمه این دانشنامه به زبان‌های عربی و انگلیسی به زودی آغاز شود؛ اما از آنجا که از نظر ترتیب حروف الفبا تفاوت‌هایی در زبان فارسی با عربی و انگلیسی وجود دارد، این ترجمه، پس از اتمام تدوین دائرة المعارف عرضه خواهد شد. هم چنین از دیگر برنامه‌های پیش بینی شده «طرح دائرة المعارف کودکان و نوجوانان» است که با هدف ارائه اطلاعات ناب و اصیل در قلمرو موضوعات قرآنی و با ادبیات مخصوص این قشر، عرضه خواهد شد.

ع ع

ع ع ع؛ اظظ نگاه‌های کوتاه به فرهنگ موضوعی تفاسیر

تفسیر و تعلیم کتاب حکیم، بنابر مفاد آیه‌های قرآن، از شئون رسالت و در مرتبه مسئولیت‌های اصولی پیامبر صلی الله علیه وآله قرار دارد «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» بقره/۱۵۱ « وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ » نحل/۴۵

تفسیر قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه وآله شامل بیان معانی آیات و کشف و تبیین آنها بوده است. xxx ۱ طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱/۴ xxx .

در دوران صحابه، طبقه اول از مفسران همانند: ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب، وزید بن ثابت و... تفسیر قرآن، با رویکرد به بیان معانی آیات و توجه به ویژگی‌های ادبی آن شکل گرفت، استدلال به آیات قرآن برای فهم آیات دیگر و بهره‌گیری از روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه وآله در دوران صحابه اندک است. xxx ۲ همان و ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۱/۹۷ xxx .

تفسیر کتاب کریم را در دوران مفسران از صحابه با مشخصه‌های ذیل می‌توان باز شناخت :

- 1- تفسیر یا بیانی کوتاه و اجمالی .
- 2- بسنده کردن به معانی لغوی - کلمات و عنوان‌ها - در آیات قرآن .
- 3- محدود بودن استنباطات فقهی از آیات الاحکام .
- 4- پیدایش دوران نخستین بیان حدیث در جریان تفسیر. xxx ۳ ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۱/۹۸ .

xxx

در دوران تابعان مؤلفه‌های دیگری تفسیر وارد می‌گردد :

- الف - بخش زیادی از اسرائیلیات در کار .
 - ب - شکل‌گیری مدرسه‌های تفسیری و روایت‌گری هر یک از تابعان از امام خود .
 - ج - گرایش‌های مذهبی در تفسیر .
 - د - گسترش و افزایش اختلاف در دیدگاه‌های تفسیری تابعان .
- مراحل نخستین تاریخ تفسیر با همه تفاوت‌ها، نکته اشتراکی دارد و آن عدم تدوین تفسیر کامل در این دوره‌هاست .
- تفسیر کتاب حکیم، بعد از دوران تابعان به مرحله جدیدی وارد گردید، عوامل بسیاری در این دوران جدید از تاریخ تفسیر اثرگذار بوده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

- 1- گسترش جغرافیایی سرزمین‌های مسلمان‌نشین در پی جنگ‌های حاکمان بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله .
 - 2- ارتباط و تعامل فکری مسلمانان با پیروان مذاهب و فرقه‌های مختلف .
 - 3- ورود مباحث و مسائل عقلی، فلسفه یونان، در دوره‌های پایانی حکومت بنی‌امیه و گسترش گفت‌وگوها و مناظرات علمی در موضوعات و بحث‌های عقلی و... xxx ۴ طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱/۵ xxx .
- مجموعه این عوامل فضای جدید، متنوع و گسترده‌ای را در حوزه فکر و اندیشه مسلمانان پدید آورد و اندیشمندان و عالمان را به جست‌وجو و پاسخ‌گویی عالمانه و مدبرانه به نیازهای علمی، دینی مسلمانان در شرایط جدید فرامی‌خواند .
- مرجعیت کتاب حکیم، علیم، خبیر، در آن هنگامه علمی، فکری، راه و روش ستودنی است که اندیشمندان دین‌باور را به خود بازخوانده است. زیرا در آن شرایط علمی - تاریخی، تنها مجموعه معتبر و مدوّن و مورد اتفاق تمامی مسلمانان با مشرب‌ها و مذاهب و فرقه‌های مختلف - که از یک سو پاسخ‌گوی نیازهای مؤمنان به خود و از دیگر سو در بردارنده معارف آگاهی‌ها و علوم قابل مناظره و عرضه به پرسشگران بیرونی و مخالفان باشد - قرآن مجید است .
- متن مقدّسی که، کتاب حکیم، خبیر، علیم و مبین xxx ۵ یونس / ۱، هود / ۱، انعام / ۵۹، واقعه / ۷۷. xxx است. کتابی که هدایتگری و راهبری‌اش شک‌ناپذیر xxx ۶ بقره / ۳. xxx و در بردارنده تبیان هر چیز، xxx ۷ نحل / ۸۹. xxx دلیل روشن خدای xxx ۸ انعام / ۱۵۷. xxx و نیکوترین سخنان. xxx ۹ زمر / ۲۲. xxx .
- بدون تردید، گزینش و انتخاب این مرجعیت علمی با منزلت و مکانت خاص و حیانت که برآیند درایت و فرزاندگی گزینش‌گران آن بوده است، از سویی موجب استواری استدلال‌ها و گرایش‌های علمی مراجعه‌کنندگان گردیده و از سوی دیگر در ابطال و رد دیدگاه‌های مخالفان علمی به کار می‌آمد .
- بررسی، ابعاد و پیامدهای این رویکرد عالمان دین به عرصه تفسیر، مجال مستقل و فرصت دیگری می‌طلبد. آنچه در این نوشتار بدان اشارت می‌رود، دستاورد پر حجم و عظیم علمی، فکری است که از این رهگذر به جای مانده است .
- گنجینه عظیم متون و منابع تفسیری بخش گسترده‌ای از تاریخ علمی مدوّن مسلمانان است که در پرتو کلام و کتاب خدا شکل گرفته است .
- بیش از هزار سال نوشتار تفسیر، تمامی محورها و موضوعات حوزه‌های علمی دینی مسلمانان را که در این قرن‌ها با آن درگیر بوده‌اند مورد توجه و تحقیق قرار داده است. در این جریان فراگیر علمی به دشواری می‌توان مکتب فکری و یا گرایش خاصی را یافت که با رویکرد خاص خود به عرصه تفسیر پا نهاده و یا اثری مکتوب از خود به یادگار نگذاشته باشد .
- منابع و متون تفسیری، برآمد سطح و مراتب تعالی و رشد و بالندگی اندیشه بشری در جهت فهم کلام و حیانی است، این دوره از حیات علمی مسلمانان نه تنها در تاریخ علم دینی از برجستگی‌های ممتازی برخوردار است، که در تاریخ علم دارای منزلت و مکانت برجسته‌ای است .
- جایگاه تاریخی دانش تفسیر، با رویکرد معرفت‌شناسانه درون دینی بیش از هر مشخصه دیگر، درستی راه و روش نخبگان و فرهیختگان را در مرجعیت قرآن، در تاریخ اندیشه و فکر دینی می‌نمایاند .

هرگاه و در هر جای، به هنگام تحولات فکری، اجتماعی در حوزه‌های مختلف اندیشه و معرفت دینی، رویکرد به قرآن و تفسیر درست آن مورد بی‌مهری قرار گرفته و یا کم‌رنگ شود، نقطه خطا آغاز گردیده و تا بازگشت به قرآن تداوم می‌یابد. البته اصل در شناخت دین و مقولات آن متن متقن، صحیح و معتبر، کتاب وحی است. و آنچه نام تفسیر در سطوح و مراتب متفاوت بر خود دارد، برآمده از اندیشه‌های بشری، و فاصله کلام خالق با سخن مخلوق است.

مجموعه تفاسیر حلقه وصل مناسب و متناسب راه‌یابی به فهم درست قرآن می‌باشد؛ زیرا، نوشتارهای تفاسیری حاصل تلاش عالمانه و ژرف‌نگری‌های محققانه دانشمندان دین‌باوری است، که هر یک به اندازه ظرفیت خویش از آبخشور علوم بهره گرفته‌اند و دوره‌هایی بس دراز مدت در ساخت ایمان خود با تعبّد فکری و ذهنی برخاسته از نورانیت ایمان، با تمام استعداد و ظرفیت علمی در جهت فهم کلام خداوند به تفسیر کتاب حکیم روی آورده و تلاش‌ها و تحقیقات علمی خود را در شکل تفسیر ارائه نموده‌اند.

چشم‌پوشی و یا غفلت، از این همه کار عالمانه و ثمرات آن نادیده انگاشتن آثار علمی ایمان عالمان و روشنگری‌های هدایت‌های علمی قرآن نسبت به اندیشمندان و نخبگان دین‌باوری است که در آستانه فهم قرآن تلاش کرده‌اند. بهره‌گیری از منابع تفسیر در پژوهش‌های دینی از لوازم بایسته‌ای است که در مرحله نخست، روند پژوهش را در مسیر منطقی قرار داده و در مرحله بعد به دریافت‌های مستند و برگرفته از منابع و متون اولیه دین نزدیک می‌کند. آنچه بایستگی تحقیق و جست‌وجو در تفاسیر را افزایش می‌بخشد، روش بیانی قرآن در طرح و بررسی موضوعات است.

در قرآن مجید، در آیه‌های متعدّد و با بیان‌های متنوع به معارف مرتبط با موضوع واحد اشاره شده است، گاهی تناسب زمینه‌ها و بسترهای بیانی طرح و اشاره به موضوع را در آیه موجب شده است، و گاهی شرایط و موقعیت‌های مخاطبان سبب نزول آیه و اشاره به آن موضوعی با بیان خاص گردیده است.

دست‌یابی، شناخت و ارائه دیدگاه جامع قرآن در هر موضوع با توجه به روش یاد شده و تعدّد آیات، بهره‌گیری رازآلود، استفاده گسترده و فراگیر از عنوان‌های مترادف و هم‌معنی، نیازمند گردآوری تمامی آیات و توضیحات پیرامونی است. با تکمیل محورهای اطلاعاتی در آیات نسبت به موضوعی مشخص می‌توان نظری جامع در موضوع خاص ارائه نمود که تنها با استفاده از متون و منابع تفسیری ممکن و مقدور است.

تنوع بیانی و کاربرد الفاظ و عنوان‌های عام و کلی در آیه‌های قرآن، همراه با نگاه چند سویه به موضوعات، میزان کارایی فرهنگ‌ها و معجم‌های لفظی را برای تحقیق در موضوعات قرآن کاهش داده است.

پژوهش کامل در موضوعاتی همانند، خداشناسی، در قرآن نیازمند جست‌وجوی موضوعی در ده‌ها موضوع و عنوان کامل دیگر است.

موضوعاتی همانند: آفرینش، اسماء حسنی، اسم اعظم، اسماء و صفات، با توجه به وجود معارف خاص در هر یک و صفت به صورت مشخص و به صورت ترکیب و متناسب و با ضمیمه به موضوع آیه شریفه، یعنی برهان امکان، برهان تمناع، برهان علیت، برهان نظم و . . .

گسترده‌گی اطلاعات اثرگذار در تکمیل و تکامل پژوهش محدود به عنوان‌های خاص نیست، بلکه در عنوان‌هایی، همانند آفرینش، آموزش، انسان، اراده، اجتهاد و... این گسترده‌گی وجود دارد. xxx ۰۱ محققان با مراجعه به فهرست سرعنوان‌های موضوعی نظام یافته جلد سوم فرهنگ موضوعی تفاسیر، ص ۲۰۳۵ به ابعاد و گسترده‌گی پیوندهای موضوعی آشنایی بیشتر و عینی پیدا خواهند نمود xxx .

ارتباط معنایی عنوان‌های مختلف با یکدیگر در رابطه متقابل تکمیل و تکامل معنی و اطلاعات در موضوعاتی که از یک یا چند جهت به یکدیگر مرتبط هستند جست‌وجو و مراجعه به منابع علمی را - که به این ارتباطات علمی و رابطه معنایی دست یافته‌اند - ضروری می‌نماید .

تفاسیر قرآن مجید، عموماً به مناسبت مفاد آیات قرآن به روابط علمی موضوعات اشاره نموده‌اند .
تفاسیر قرآن چنانچه بایسته است مورد مراجعه گسترده و فراگیر قرار نمی‌گیرد. عوامل متفاوتی در این روند اثرگذار بوده‌اند .

دشواری دست‌یابی به اطلاعات موضوعات در بیش از ششصد جلد کتاب و متن تفسیری با بیش از یک‌صد و هشتاد هزار صفحه xxx ۱۱ آمار دوره‌های کتاب‌های تفسیری با شمارگان صفحات در فاز اول و دوم و سوم فرهنگ موضوعی تفاسیر. xxx از عوامل بنیادین کاهش روند مراجعه و دریافت اطلاعات از تفاسیر است .

نبود اطلاعات نظام واره، فهرستگان جامع موضوعی و... از محتوا و اطلاعات منابع و متون علمی و مرجع، پژوهش‌های دینی را در مراحل مختلف با آسیب‌های جدی در شکل و محتوا همراه نموده است .
برنامه‌ریزی چند سویه و علمی، در جهت طبقه‌بندی اطلاعات و نظام‌بخشی آنها و ارائه سامان یافته محتوی منابع و متون مرجع از اولویت‌های نخست عرصه پژوهش‌های دینی است .

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، از کانون‌های پژوهشی است که در مراحل نخست، تلاش‌های پژوهشی خود را با نگاه و برنامه‌ریزی علمی و کارشناسانه همراه نموده است .

اگر چه فرهنگ‌ها و معجم‌های موضوعی - بعد از گذر از دوره نگارش معجم‌های لفظی - در حوزه متون دینی مورد جریان پژوهش قرار گرفته است. اما کاربری روش‌های علمی، رعایت ضوابط و اصول علمی اطلاع‌رسانی، پیش نیاز انجام صحیح و افزایش آثار و ثمرات کاربردی این پژوهش‌ها است .

برنامه‌ریزی برای پژوهش، با تعیین اهداف بلند مدت و با توجه به زیر ساخت‌ها و پیش نیازها انجام گرفت، با نگاه علمی به برنامه‌ها، پروژه‌های کاربردی و مستقلی تعریف و اجرا گردیده است .

تنظیم و تدوین تفسیر موضوعی جامع قرآن مجید از اهداف بلند آرمانی است که نیازمند آماده‌سازی اطلاعات متفاوتی است که پروژه‌های پژوهشی چندی در آن جهت طراحی و انجام یافت :

1- دست‌یابی به همه معارف در موضوعات قرآنی نیازمند استخراج تمامی ابعاد موضوعات طرح شده در جای‌جای قرآن و با عبارات و عنوان‌های متفاوت است. طراحی و انجام تفسیر راهنما با این هدف انجام یافت .

کار به یادماندنی تفسیر راهنما در ۲۰ جلد که با نوآوری و دوران‌دیشی قرآن پژوه فرزانة آیه الله هاشمی رفسنجانی طرّاحی و به همت مفسران و محققان ارجمند آن پایان یافت، گام بلند و نخستین در جهت آماده‌سازی موضوعات برای تدوین فرهنگ موضوعی قرآن به شمار می‌رود.

2- ارائه الگوی ساختار معارف قرآن به سامان بانک اطلاعات حوزه قرآن یاری درخور توجهی می‌رساند و دستیار مناسبی در جهت ارائه پژوهش‌های ساختاری موضوعات و معارف قرآن.

3- طبقات آیات قرآن، فراتر از طبقه‌بندی عام و کلی آن، برابر با نظام قابل ارائه و مستند به آیات قرآن، با نگاه به تمامی آیات در موضوع واحد و از تمامی جهات، تفسیر موضوعی را با جامعیت و غنا همراه می‌سازد، برآورد این مهم در کلید راهیابی به موضوعات و معارف قرآن - فرهنگ قرآن - تعریف شده است.

4- کتاب‌های تفسیری پرشماری که در طول بیش از هزار سال نگارش یافته است، در بردارنده معارف و اطلاعات و نکته‌ها و لطائف و اشارات راهگشایی است که در جهت فهم درست و صحیح کلمات و آیات قرآن کارایی بسیار دارد. اشراف و دستیابی به این اطلاعات، پژوهشی را می‌طلبد که اکنون با نام فرهنگ موضوعی تفاسیر، شناخته می‌شود. فرهنگ موضوعی تفاسیر در نگاه به تفسیر موضوعی جامع قرآن کریم جایگاه کلیدی نسبت به معارف قرآن دارد که در تمامی پژوهش‌ها در حوزه معرفت دینی نقش شکل بخشی به نظام و ابعاد پژوهش را به خود اختصاص داده است. در فرهنگ موضوعی، پژوهشی علمی و مستند در جهت راه‌یابی و تعریف موضوعات و رابطه علمی متقابل و ارتباط معنایی عنوان‌ها و اصطلاحات کلامی، فقهی، حقوقی، اجتماعی انجام یافته و به صورت نظام‌واره ارائه گردیده است.

سیر پژوهش فرهنگ موضوعی تفاسیر

1- تدوین آیین‌نامه

با هدف ارائه روش به محققان طرح، و در جهت پژوهش هماهنگ، آیین‌نامه روش‌ها و اصول موضوع‌نگاری از تفاسیر، براساس اهداف پروژه تدوین و مورد استفاده قرار گرفت.

2- پژوهش گروهی

حساسیت مرحله پژوهش و موضوع‌نگاری، کاری جمعی را اقتضا می‌کرد، گروه‌های پژوهش در راستای افزایش اعتبار علمی و اتقان موضوعات تشکیل شد و موضوع‌نگاری از سوی گروه‌های یاد شده انجام می‌گرفت.

3- هماهنگی در پژوهش

برآمد پژوهش، نیازمند هماهنگی‌های علمی است. با هدف این هماهنگی‌ها، گروه‌های هماهنگ کننده شکل گرفت، هماهنگی در برابری موضوعات با ضوابط و اصول تبیین شده در آیین‌نامه و متن مورد پژوهش، در این گروه‌ها انجام یافت.

4- سازماندهی اطلاعات

تنوع گسترده و فراگیر موضوعات ثبت شده از بیش از ۳۰۰ جلد تفسیر، توسط ده‌ها محقق با تفاوت ذهنیت‌ها از یک سو، فاصله زمانی آغاز تا پایان پژوهش از سوی دیگر، نظام‌بخشی و سازماندهی اطلاعات را می‌طلبد.

تعیین جایگاه علمی، منطقی موضوعات فرعی و چند سویه، شناخت و ارائه پیوندهای معنایی موضوعات، ارائه عنوان‌های وابسته و پیوسته به جست‌وجوگران و تنظیم ارجاعات و... در مرحله سامان‌بخشی اطلاعات علمی تفاسیر صورت گرفت. در پروژه فرهنگ موضوعی تفاسیر، تمامی اطلاعات با مستندسازی ارائه شده است. موضوعات و معارف موجود در این پژوهش با استناد به پشتوانه‌های علمی - تشریحی که در منابع و متون معتبر تفسیری قرار دارد شکل یافته است. مستندسازی اطلاعات با این ابعاد نه تنها منزلت و اعتبار پژوهش مستند را افزایش می‌دهد بلکه پژوهش جست‌وجوگران و کاربران را ارتقای علمی می‌دهد.

نظام اطلاعات و موضوعات

- 1- موضوعات اصلی، فرعی نظام الفبایی یافته‌اند.
 - 2- رایج‌ترین و متداول‌ترین عنوان‌ها ثبت شده و از عنوان غیر متعارف غیر متداول به متداول ارجاع شده است.
 - 3- اطلاعات سرعنوان‌های موضوعی خاص - که با عنوان عام شناخته شده و مورد مراجعه قرار می‌گیرند - در سرعنوان عام آمده است. مثلاً اطلاعات سرعنوان‌های «احرام»، «سعی»، «طواف» در سرعنوان عام «حج» آمده است. البته، هرگاه سرعنوان‌های خاص، مستقل شناخته شده و مورد مراجعه قرار گیرند در جایگاه الفبایی خود قرار دارند؛ همانند، «تسبیح»، «تهلیل»، «ذکر» و... .
 - 4- در سرعنوان‌های موضوعی، «خدا»، «اسلام»، «قرآن»، «انسان» با توجه به گستره اطلاعات آنها، اطلاعات عنوان‌های وابسته - با سرعنوان خاص خود - در جایگاه الفبایی ثبت شده است.
 - 5- اطلاعات اعلام اشخاص، زمان‌ها، مکان‌ها، قبیله‌ها که در قرآن کریم به آنها تصریح و یا اشاره شده است و مفسران نسبت به آنها اطلاعات تحلیلی - توصیفی داشته‌اند در جایگاه الفبایی خود آمده است.
- اعلام غیر قرآنی که در تفاسیر به تناسب موضوعی مورد توجه قرار گرفته‌اند در عنوان موضوعی ثبت شده است که با استفاده از فهرست اعلام می‌توان بدان دست یافت.

ویژگی‌های اطلاعات

- 1- موضوعاتی که مفسران گرانقدر به تناسب مفاد آیات و فراتر از منطوق آیه مورد بررسی قرار داده‌اند در فرهنگ موضوعی ثبت شده است.
- 2- برابر اصول علمی اطلاع‌رسانی، موضوعات بدون داوری و حکم خاص ثبت شده است و این دوری از حکم نسبت به ارزش و صحت و اعتبار آن موضوع در گرایش و یا مذاهب خاص می‌باشد. البته در موضوعات کلامی و یا موضوعات حقوقی - فقهی، هرگاه در متن تبیین حکم و یا استدلال بر آن و یا فلسفه و بطلان کلی باشد موضوع با تمام مشخصه‌های آن ثبت گردیده است؛ مانند:

دلایل اختیار انسان، دلایل اختیار خدا در فاعلیت

دلایل جبر در کفر، دلایل بطلان جبر . . .

3- ثبت موضوعات بدون هرگونه برداشت و تطبیق انجام گرفته است، و هر موضوع بنا بر دلالت مطابقی در متن کتاب ثبت شده است .

4- حجم بالای موضوعات کلامی خاص، همانند اراده خدا، اراده انسان... و تفاوت آماری آنها با موضوعات انسان‌شناسی و دین‌شناسی جدید، متوجه رویکرد عصری مفسران ارجمند به مسائل علمی است .
توجه جدی عالمان دین پژوه به نیازهای علمی دینداران دوران خویش و پاسخ‌گویی عالمانه به پرسش‌های عصری گام‌های شایسته محققان است که تبلور آن را در منابع تفسیری شاهد هستیم .
نزدیک به سه هزار سرعنوان موضوعی، همراه با موضوعات فرعی اول و موضوعات فرعی دوم، مستند به تحقیقات مفسران در این مجموعه نظام یافته است .

موضوعات و معارف در محتوا و در عنوان‌ها با نظر به تعریف علمی - در برخی موارد با یادداشت‌های دامنه سرعنوان‌های موضوعی در متن کتاب آمده است .
قلمرو موضوعات شامل همه حوزه‌های علوم انسانی که در تفاسیر قرآن به آنها توجه شده است و در حوزه‌های کلامی، فقهی، حقوقی، اخلاق، مسائل اجتماعی و... همراه با فروع مسائل و فرعی‌های اول و دوم ثبت شده است :
موضوعات کلیدی و روزآمدی همانند، آزادی، اراده، انتخابات، اکثریت، برگزیدگی، بیعت، حقوق، حکومت، مشاوره و... در حوزه مسائل اجتماعی .

موضوعات اسلام، ادیان، اهل کتاب، دین، شریعت، کفر، مجوس، مسلمانان، مسیحیت، یهود و... در حوزه مسائل کلامی .
در حوزه فقه و حقوق: احکام، اجتهاد، اوامر، تشریح، تکلیف، حق، حقوق، فروع دین، نواهی و...
در حوزه مسائل عقل: ادراک، الهام، برهان، تخیلات، تفکر، ذهن، شناخت، ظن، عقل، علم و... با ارجاع به موضوعات وابسته تنظیم شده است .

تنظیم ساختار علمی موضوعات با نظم الفبایی هماهنگ و با بهره‌گیری از روش ارجاعات انجام یافته است و این پژوهش مرجع و اصولی در جهت ظرفیت‌سازی، بالا بردن توانمندی‌های پژوهش و در جهت ارائه ملاک و میزان، اتقان و اعتبار پژوهش‌های دینی علمی است .

ساختار معارف قرآن موجود در این مجموعه، اکنون این ظرفیت را در حد بالایی دارد، که ملاک سنجش اعتبار و اتقان علمی پژوهش‌های کلان دینی از جهت ساختار و ابعاد تحقیق در موضوعات محور پژوهش باشد .

نظام موضوعی فرهنگ با توجه به رابطه تکمیل و تکامل اطلاعات یا موضوعات وابسته و پیوسته ثبت شده در سرعنوان‌ها شکل یافته است. به دیگر سخن، پژوهش‌های موضوعی در حوزه معرفت دینی با رویکرد به این نظام مستند و علمی است که می‌تواند محورهای تحقیقات خود را کامل دیده و یا با کاهش روبرو ببیند .

ارائه ساختار معارف قرآن در فرهنگ برای کانون‌های پژوهشی، برنامه‌ریزی‌های علمی، کارشناسی نیز حرکتی علمی و راهبردی است که از یک سو روشن‌گر زیر ساخت‌ها و پیش نیازهای تحقیقاتی است و از سوی دیگر نشان‌گر مرزهای مشترک و حد فاصل حوزه اطلاعات اختصاصی .

محدوده اطلاعات موضوعات

بدون تردید، ساختار معارف قرآن ارائه شده در فرهنگ در رسیدن به اتقان بیشتر در ویرایش‌های بعدی استعداد و ظرفیت تکامل را داراست اما آنچه در این مرحله تنظیم و تدوین شده است، با قرار گرفتن در میزان سنجش تحقیقات موضوعی، دینی برنامه‌ریزی‌های تحقیقاتی نظام جدیدی را ارائه نموده است.

از مشخصه‌های برجسته در این مجموعه ثبت دیدگاه‌های مذاهب و فرق کلامی، فقهی و... صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های تفسیر، کلام، فقه، علوم قرآن و... است.

در فاز اول فرهنگ موضوعی تفاسیر، بیش از هفتاد مذهب، فرقه و گرایش علمی با موضوعات منسوب و منقول از آنان ثبت شده است.

موضوعات دیدگاهی، بیش از هزاران موضوع است که با توجه به قابلیت برنامه‌های رایانه، این اطلاعات در لوح فشرده صراط، قابل جست‌وجو است.

روایات تفسیری در فاز اول فرهنگ به صورت موضوعی ثبت شده است.

در فاز دوم به علامت‌گذاری خاص و جداسازی روایات تفسیری و روایات و موارد شأن نزول به جست‌وجوگران امکان استفاده مستقل از روایات را بخشیده است.

سه هزار سرعنوان موضوعی، ۱۶۰۰۰ هزار نمایه‌های ترکیبی، همراه با ۳۴۰۰۰ موضوع فرعی اطلاعات فرهنگ موضوعی تفاسیر را تشکیل می‌دهد.

این موضوعات محتوا معارف بیست تفسیر کامل قرآن مجید، شامل بیش از سیصد جلد تفسیر را در بردارد. که از قرن چهارم هجری تا دوره معاصر تدوین یافته است.

با توجه به اصول علمی اطلاع‌رسانی و ارائه مجموعه موضوعات در حجم قابل قبول، اطلاعات در سه بخش انجام شده است.

1- ارجاع در موضوعات هم معنی و مترادفات.

آگاهی ر علم

سعادت ر خوشبختی

2- سرعنوان‌های فرعی غیر مستقل به سرعنوان‌های اصلی خود ارجاع شده است.

احرام ر حج

استطاعت ر حج

چنانچه عنوان با دو عنوان هم معنی و مترادف باشند به هر دو عنوان ارجاع شده است.

استطاعت ر حج

استطاعت ر قدرت

3- موضوعات فرعی - ترکیبی که از وجود نوعی رابطه اطلاعاتی میان دو عنوان حکایت می‌کنند، در صورتی که اطلاعات محدود داشته باشند در یک جا آمده و از سرعنوان دیگر ارجاع شده است .

اسراف در انفاق ر انفاق

انفاق در نماز - انفاق علی بن ابی طالب علیه السلام

سرعنوان‌های موضوعی که قلمرو اطلاعات آنها در نظر محققان از قبض و بسطهای متفاوتی برخوردارند، با یادداشت دامنه محدوده اطلاعات تبیین شده است .

موضوعاتی که مراجعه به اطلاعات آنها معارف موضوعی مورد پژوهش را تکمیل نموده و یا تکامل می‌بخشد در پایان اطلاعات با ارجاع ثبت شده است .

در جهت سرعت و سهولت دستیابی محققان و جست‌وجوگران در پایان این فرهنگ موضوعی فهرست‌هایی هفتگانه تنظیم شده است .

1- فهرست الفبایی موضوعات .

2- فهرست سرعنوان‌های موضوعی نظام یافته .

3- فهرست اعلام، اشخاص .

4- فهرست ادیان، مذاهب، فرقه‌ها .

5- فهرست جاها و مکان‌ها .

6- فهرست روزها و زمان‌ها .

7- فهرست قبیله‌ها و قوم‌ها

دستاورد پژوهش در فرهنگ موضوعی تفاسیر، تجربه موفق کار جمعی، و تحقیقات مبارک گروهی است. که در پروژه در مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی آغاز و انجام یافت. در این پژوهش کلیدی - راهبردی که به دو شکل، لوح فشرده، «صراط»، و مجموعه چاپ شده سه جلدی ارائه گردیده است، از آغاز تا پایان، محققان بسیاری از مشهد و قم حضور داشتند. برخی با همکاری کوتاه مدت و برخی تا پایان راه همراه بودند - توضیحات بیشتر در مقدمه کتاب ثبت شده است .

ره‌آورد این تحقیق گروهی، تجربه جدیدی در عصر اطلاع‌رسانی از حوزه معرفت دینی است. در این رهگذر، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، با تشکر از قرآن‌پژوهانی که تا کنون دیدگاه‌های خویش را ارائه کرده‌اند، از همه متفکران و کارشناسان در خواست دارد که دیدگاه‌های خویش را ارسال فرمایند .

فاز دوم فرهنگ موضوعی با توجه به تجربیات مرحله نخست در حال آماده‌سازی است. اطلاعات موضوع‌نگاری چهارده دوره کامل تفسیری پایان یافته است. که به یاری خداوند با طبقه‌بندی و ساماندهی اطلاعات نشر خواهد یافت .

پروژه فرهنگ موضوعی تفاسیر، اگر چه به صورت مستقل و در جهت راه‌یابی به محورهای تکامل اطلاعات در تنظیم و تدوین تفسیر جامع موضوعی قرآن کریم انجام یافت، اما هم‌اکنون این پژوهش در جایگاه خاص خود زمینه‌ها و بسترهای جدید و پژوهشی را ایجاد کرده است.

در شرایط نوین ارتباطات و تحولات شتابزده علمی و فرهنگی، روش‌های علمی مقابله و برخورد با هنگامه‌ها و تحولات فکری، فرهنگی در قرن‌های پیشین، چنانچه تبیین گردد، راه‌های گزینش از سهولت بیشتری برخوردار می‌گردد. توجه به بنیادهای پژوهشی و پژوهش‌های بنیادین راهکار علمی پذیرش عالمانه پدیده‌های روزآمد عرصه فکر و اندیشه است.

زمینه‌سازی‌های پژوهشی

آنچه هم‌اکنون در فرهنگ موضوعی تفاسیر وجود دارد. با توجه به اصل مدلول مطابقی متن تفاسیر است. جنبه علمی - تفصیلی این‌گونه موضوعات با گرایش‌های متنوع زمینه پژوهش‌های بسیاری را آماده نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- الف: ۱- شناسایی فضای علمی - فرهنگی دوران تدوین تفسیر در سده‌های پیشین.
- ۲- میزان تأثیرگذاری گرایش‌های علمی بیرونی در متن تفاسیر پیشینیان.
- ۳- تشخیص و تعیین و ارائه گرایش‌های مثبت و پذیرفته شدن مفسران در تفسیر.
- ۴- تشخیص و ارائه گرایش‌های طرد شده از سوی هر مفسر در تفسیر خود.
- ۵- امتیازات و توانایی‌های برجسته و مختص و علمی مفسران.
- ۶- میزان اثر پذیری تفاسیر دوره‌های متأخر از تفاسیر پیشین و اثرگذاری گرایش‌های علمی تفسیر در آیندگان.
- ۷- تشخیص و تعیین دوران افول اندیشه‌ها و گرایش‌های کلامی، فقهی مذاهب و فرقه‌های مختلف.

ب: نظام معارف موجود در فرهنگ موضوعی، برگرفته از متن تفاسیر، زمینه‌های علمی و مستند را در جهت ترسیم نمودارهای علمی آماده نموده است. این نمودارها با هدف شناخت تاریخی، بررسی و طرح موضوعات در منابع مکتوب دستاوردهای پرباری به همراه دارد؛ از جمله:

- ترسیم نمودارهای علمی از سیر و جریان تحقیقات قرآنی - کلیات.
 - ترسیم نمودار پیدایش و رشد تحقیقات در موضوعات خاص کلامی در تاریخ و دوره‌های تفسیری.
 - تعیین کمیّت پژوهش‌های فقهی در تفاسیر با توجه به گرایش‌های مذهبی صاحب تفسیر.
 - شناسایی و تعیین میزان طرح و بررسی موضوعات اجتماعی و... پیشینه آن در تفاسیر.
 - شناخت و تعیین میزان و کمیّت بررسی و طرح موضوعات فرقه‌ها و مذاهب‌های خاص.
- فرهنگ موضوعی تفاسیر، تجربه نوینی در عرصه اطلاع‌رسانی و طبقه‌بندی اطلاعات از حوزه معرفت دینی است، این گام بلند اگر چه در آغاز راه خویش است و با توجه به کاستی‌های طبیعی دوران نخست خویش نیازمند یاری و یادآوری

صاحب‌نظران و قرآن پژوهان، اما انجام آن این باور را توانمند نموده است که پژوهش‌های دینی یکسره از نبود اطلاعات سامان یافته و نظام‌مند رنج می‌برند .

دوری و گاه عدم مراجعه به منابع و متون معتبر علمی آسیب‌های بسیاری را بر پژوهش و عرضه آن وارد می‌سازد و جریان فراگیر دین پژوهی با توجه به ضعف روش‌های اطلاع‌رسانی علمی و فاصله بسیار آن با مسیر مطلوب و کارآمد و به روز خود از نیازهای عصری گام‌هایی فاصله دارد .

نگاه کمی و آماری به پژوهش‌ها، بسنده کردن به حجم آنها، غفلت و یا چشم‌پوشی از منزلت، اعتبار و اتقان و علمیت در پژوهش، کاربرد و جایگاه پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و برآیند علمی جریان پژوهش را در حوزه‌های خاص به مخاطره افکنده است .